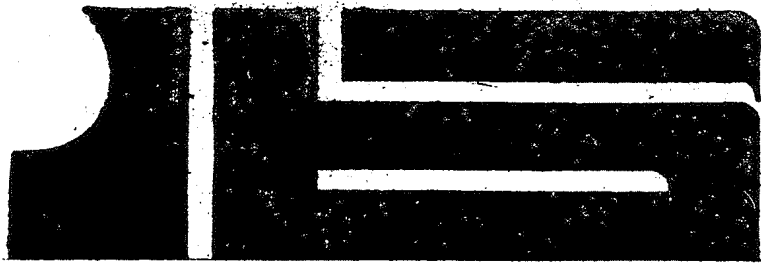


با تمام قوا اقدامات  
ضد کارگری هیئت  
حاکمه را افشا کنیم

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید



سه شنبه ۲۱ مرداد ۱۳۵۹

۱۲ صفحه قیمت ۴ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم شماره ۷۱

# رجائی میگوید: دولت آینده باید از سرمایه داران بزرگ بخواهد در اعمال خود تجدید نظر کنند!

در جلسه خصوصی مجلس که بمنظور نظر خواهی " نمایندگان " برای نخست وزیر محمد علی رجائی تشکیل شده بود، ۱۰۵ تن از آنها به نفع وی رای دادند. رئیس جمهور بنی صدر نیز پس از نطقهای اخیر آیت الله خمینی که بوضوح در جهت تقویت موقعیت سران حزب جمهوری اسلامی و تضعیف جناح لیبرالی هیئت حاکمه ایراد شده بود، بناگزیر رجائی را بعنوان نخست وزیر جدید

جمهوری اسلامی ایران به مجلس معرفی نمود. نکته قابل توجه در این میان آن بود که وی ( بنی صدر ) چه در نامه معرفی رجائی به مجلس و چه در روزنامه انقلاب اسلامی مخالفت خود را نسبت به وی پنهان نکرده و از او بعنوان فردی " خشک سر " و بی اطلاع از امور مربوط به اداره دولت نام برد.

● حرفهای رجائی، همان وعده های عوام فریبانه بزرگان صحنی بر " تعدیل ثروت در برنامه دولت " را بیاد می آورد.

بقیه در صفحه ۲

## مسئله درمان و طب ملی

در یک جامعه طبقاتی، هر قشر طبقه بر حسب شرایط زندگی و وضع معیشت خود، از بیماریهای خاص و سطح درمانی معینی در حد طبقه خود برخوردار است. مثلا در یک جامعه طبقاتی، هر قشر طبقه بر حسب شرایط زندگی و وضع معیشت خود، از بیماریهای خاص و سطح درمانی معینی در حد طبقه خود برخوردار است. مثلا

ماهی ۵۷۶ میلیون ریال فقط  
هزینه عملیات پاکسازی  
ژاندارمری در کردستان در صفحه ۱۲

## لغو سود ویژه در حقیقت کاهش دستمزد کارگران است

دولت جمهوری اسلامی سخن از " کلا بابت حق السهم ... مذکور و نیز عیدی و پاداش سالانه معادل دو ماه آخرین دستمزد ... را لغو می کند؟ " مسئله را بیشتر بشکافیم و ببینیم اصولا پرداخت سود ویژه، عیدی و سایر مزایای کار سرمایه داران بکارگران می پردازد یا نه؟ آیا بخاطر چه پرداخت میشود؟ آیا پرداخت این مزایا از خوشنیتی سرمایه داران است یا از ماهیت استثمارگرانه سرمایه داری سر چشمه می گیرد؟

اسلامی مطرح کرده اند که " ۲ کار فرمایان کارگاههای مشمول قانون ملغی شده مذکور مکلفند برای جبران عواید کارکنان خود کلا بابت حق السهم ... را لغو کنند. اجرای قانون مذکور و نیز عیدی و پاداش سالانه معادل ۶۰ روز آخرین دستمزد برای ۱۲ ماه کار در سال بهر یک از کارکنان خود پرداخت نمایند ... " باید پرسید مگر کارگران در طی مبارزاتشان در سالهای گذشته، سرمایه داران را مجبور نکرده بودند که علاوه بر پرداخت ۲۰٪ سود ویژه، عیدی و پاداش معمولاً معادل دو ماه دستمزد کارگران به آنها پرداخت نمایند، که حالا

شورای انقلاب در آخرین روزهای حیات سراپا دفاع از سرمایه داریش، یک سلسله قوانین را بتصویب رسانید. از جمله این قوانین " لغو سود ویژه " بود که صد او سیمای جمهوری اسلامی آن را در تاریخ هفتم مرداد ماه اعلام کردند. " از تاریخ ۱/۹/۵۹ قانون سهم کردن کارگران در منافع کارگاههای صنعتی و تولیدی و کلیه ملحقات و منظمات آن وجد اول و پیمانهای دسته جمعی و توصیه نامه های ناشی از قانون مزبور لغو و بلا اثر اعلام می گردد ... " قانون گزاران دولت جمهوری

<b>در این شماره:</b>	
اشیوه های ضد دمکراتیک هیئت حاکمه در آموزش و پرورش صفحه ۹	سازمان های دمکراتیک توده ای اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی صفحه ۱۰
جوانمرد قصاب محله ای محروم از رفاه صفحه ۱۰	اعدام نیروهای انقلابی نشانه ورشکستگی جمهوری اسلامی صفحه ۱۲
طی دو هفته اخیر دهها فروشنده کار و دیگر نشریات انقلابی به حبس و شلاق محکوم شدند صفحه ۱۲	

شورای انقلاب " بار دیگر با تصویب قانون تشکیل " شورا های اسلامی کارکنان " دفاع از منافع سرمایه داران را بانجام رساند در صفحه ۵

نظری کوتاه بر عوام فریبی ها و دروغ پردازی های روزنامه جمهوری اسلامی در صفحه ۸  
چرا حاکم شرع دادگاه های انقلاب ارتش دروغ میگوید؟ در صفحه ۱۲

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکای پانزدهم و اخلیش

# رجائی میگوید: دولت آینده باید از سرمایه داران بزرگ

بقیه از صفحه ۱

بخواند افراد را برای تولید بیشتر جذب کند. در شرایط  
حاضر وضع قانون کار و وضع بیمه طوری است که مردم را از  
اینکه کارگر بگیرند، منع میکند و باید بطور جدی تری با  
این مسئله برخورد شود. (همانجا)

معنای این گفته های آقای نخست وزیر جدید چیست؟  
مسئله اینست که دولت در جمهوری اسلامی باید سرمایه  
داران دموکرات خصوصی کمک کند تا با استثمار هر چه  
بیشتر کارگران سود بیشتری را نصیب خود کنند.  
دولت باید به سرمایه داران کمک کند و با تغییراتی که در  
قانون کار و وضع بیمه (یعنی با تغییراتی که در قانون کار و  
بیمه آریامهری) به نفع آنان ایجاد می کند، شرایطی  
را فراهم نماید که "مردم" (یعنی همان سرمایه  
داران انگلی) با رغبت بیشتری دسترنج کارگر را ببلعند  
البتة آخرین برخورد جدی "دولت سابق و شورای  
انقلاب را" اخیرا مشاهده کردیم! لغو قانون سهیمه  
کردن کارگران در منافع کارگاه های تولیدی، یعنی  
تشدید استثمار!

همه مردم اقدامات دولت بزرگان را نیز در  
خدمتگزاری به سرمایه داران فراموش نکردند.  
زحمتگشان ایران هنوز و امای کلان شورای انقلاب و  
دولت بزرگان به سرمایه داران را از یاد نبرده اند. اما از  
نظر رجائی، نخست وزیر جدید، و عضو سابق نهضت  
آزادی این اقدام مشترک لیبرالها و سران حزب جمهوری  
اسلامی که موجی از اعتراض و نفرت کارگران و زحمتگشان  
را در سرتاسر ایران برانگیخت هنوز بحد کافی جدی  
نیست، دولت آینده باید اقدامات "جدی تری" را در  
این زمینه ها انجام دهد!

نخست وزیر خط اساسی سیاست دولت آینده را دشمنی  
با طبقه کارگر ایران و دفاع از منافع سرمایه داران و وابسته  
ترسیم نمود و سپس عوام فریبانه همان وعده های گذشته  
بازرگان را تحت عنوان "تعدیل ثروت در برنامه دولت"  
نشخوار نمود. اما رجائی به این سخنان بسند  
نمی کند و در این مصاحبه حرفهائی میزند که بیشتر به  
شوخی و تفریح شباهت دارد: "حکومت را باید بدست  
انقلابیون ۱۷ شهریور و سرچشمه سپرد" چه مردم  
شریف و با وجدانی! او با این گفته ها خاک بچشم  
کارگران می پاشد. اما بسیاری از کارگران و زحمتگشان  
میهنمان بخوبی برای امر آگاهند که انقلابی نمائی  
سران حزب جمهوری اسلامی و همپالکی های آنان نظیر  
رجائی، در واقع حیل و نیونگ سرمایه داران در مقابل  
رشد جنبش کارگری است. تاریخ تمام جنبشهای انقلابی  
در جهان نشان داده است که هرگاه هر تجمعین با فریب  
و اغوای توده ها و منحرف کردن مبارزات آنان به هدف  
های خود دست یافته و قدرت دولتی را به چنگ  
آوردند، همواره برای فرونشاندن جنبش انقلابی و  
بویزه نهضت کارگری، سیلی از سخنان بی محتوا و شعار  
های پوچ به طرفداری از زحمتگشان را مطرح کرده اند. اما  
در عمل بدون قید و شرط منافع طبقات حاکمه را سر  
لوحه برنامه های خود قرار داده اند. و در انقلاب مانیز  
حزب جمهوری اسلامی استاد بزرگ جمله پردازی و  
عوام فریبی بوده است

ناگفته روشن است که انتخاب رجائی بعنوان نخست  
وزیر با توجه به عملکردها و سوابق قبلی او در وهله اول  
بدین معناست که حزب جمهوری اسلامی در تنها جم اخیر  
خود علیه لیبرالها برای کسب مواضع برتر در ارگانهای  
دولتی به موفقیت های قابل توجهی دست یافته است و  
در وهله دوم نشانه آنست که تضادها و تعارضات این دو  
جناح نه تنها تخفیف نیافته بلکه در آینده بیش از پیش  
شدت یافته و در فاز جدیدی بالاتری جریان پیدا می کند.  
لیکن برای توده های مردم مهمتر از هر مسئله،  
سیاست و برنامه کا بینه جدید مطرح است. توده ها از  
از خود می پرسند که کا بینه جدید چه فرق اساسی با کا بینه  
قبلی می تواند داشته باشد؟ محمد علی رجائی با  
حمایت از سرمایه داران، از همان ابتدای کار پاسخ  
صریح و روشنی به این مسأله داده است! او در مصاحبه  
اختصاصی با خبرگزاری پارس چنین می گوید: "به نظر  
من یکی از برنامه هائی که فراموش شده مسئله ایجاد یک  
نوع تعادل ثروت است در جامعه. در هیجده ماه گذشته  
نه دولت به سرمایه داران کاری داشته و نه خود آنان در  
سطح وسیعی حرکت کرده اند، بلکه بیشتر توجه به بالا  
آمدن در سطح طبقه پایین بوده که به نظر من نه کافی است  
و نه اسلامی، لذا دولت آینده باید از سرمایه داران  
بزرگ بخواهد که در اعمال خود تجدید نظر کنند."

(روزنامه جمهوری اسلامی پنجشنبه ۱۶ مرداد ۵۹)  
آری، از دیدگاه رجائی، باید دولت آینده از سرمایه  
داران بزرگ بخواهد تا در استثمار و وحشیانه کارگران  
تجدید نظر کنند، این است سنگ بنای سیاست و برنامه  
دولتی که باید هم "مکتبی" و هم "جوان" و "قاطع"  
باشد! بیهوده نبود که حزب جمهوری اسلامی در  
میان کاندیداهای نخست وزیر خود، برای آقای  
رجائی مقام دوم را قائل بود و آیت الله بهشتی دبیر کل  
حزب در مصاحبه ها و نطق های اخیر خود رجائی را با  
وجود آنکه عضو حزب نیست، بیش از همه "مکتبی" و  
"قاطع" توصیف می نمود!

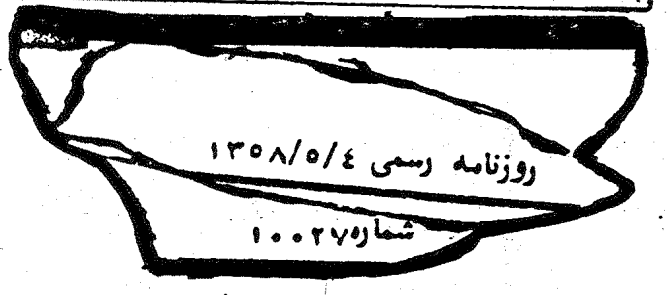
در واقع اختلاف بین آقایان و جناح بنی صدر  
لیبرالها - بهیچ وجه بر سر وجود یا عدم وجود  
اجتماعی مشتی سرمایه دار که به عبارت و استثمار  
ددمنشان کارگران پرداخته و زندگی آنان را در حالت  
فقرو فلاکت متلاشی می کنند، نیست. هر دو جناح بر سر  
این مطلب که دولت باید در چنین شرایط بحرانی ای از  
سرمایه داران بزرگ بخواهد که در "اعمال خود تجدید  
نظر کنند" و متقابلا بعنوان چماق همین سرمایه داران  
مبارزات کارگران را سرکوب کند "میتناق و وحدت" دارند.  
آنچه که این دو جناح را به درگیری هائی که امروز شاهد آنیم  
می کشاند آنست که هر یک خواهان دوست گرفتن رهبری  
در حاکمیت است. آنها هر کدام برای پیشبرد سیاست  
های خویش به قدرت فائقه می اندیشند.

کسانی مانند رجائی، همانطور که در گذشته از رژیم  
شاه میخواستند که در دیکتاتور عیان گسیخته خود  
تجدید نظر کند! همانطور نیز از سرمایه داران بزرگ  
میخواستند که در مکیدن شیر جان کارگران تجدید نظر  
کنند!

وی در جای دیگری از مصاحبه خود بلافاصله وظیفه  
دولت در حمایت از سرمایه داران را متذکر شد و چنین  
میگوید: "دولت آینده باید در جهت اشتغال بیگاران  
در موسساتی که به کارگرایا رمندا احتیاج دارند سرمایه  
گذاری کند یعنی دولت باید به موسساتی کمک نماید که

## آقای رجائی و گردانندگان حزب جمهوری اسلامی را بهتر بشناسیم

شماره ۶۷۲۳۲ ۱۳۵۸/۴/۳۰  
آگهی تصمیمات مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت  
بازرگانی و ساختمانی اهدا سهامی خاص  
ثبت شده بشماره ۱۸۷۶۰  
طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۵۸/۳/۲۵  
شرکت مزبور ۱ - ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۵۷  
بتصویب رسید ۲ - آقای ناجی بسمت بازرسی اصلی و آقای  
علامیر محمد صادقی بسمت بازرسی علی البدل برای مدت یکسال  
انتخاب شدند ۳ - روزنامه کثیرالانتشار جمهوری اسلامی جهت  
درج آگهی ها و اطلاعیه های شرکت تعیین گردید ۴ - آقایان  
محمد جواد باهنر و محمد رجائی و حبیب اله شفیق بسمت اعضاء  
اصلی و آقایان ابوالفضل توکلی و سید محمد حسینی بهشتی  
بسمت اعضاء علی البدل بسمت مدیره انتخاب شدند که برابر تصمیم  
هیئت مدیره آقای محمد رجائی بسمت رئیس هیئت مدیره و آقای دکتر  
باهنر بسمت نایب رئیس هیئت مدیره و آقای شفیق مدیر عامل  
شرکت برای مدت دو سال تعیین شدند و حق اعضاء کلیه  
اسناد مالی شرکت از قبیل چک و سفته و بروات و همچنین  
کلیه اوراق مالی تمهید آور با دو اعضاء اصلی هیئت مدیره  
متفقا با مهر شرکت معتبر خواهد بود کلیه قراردادها و نیز نامه ها  
و احکام و اوراق اداری و محاسباتی را مدیر عامل شخصا  
و به تنهایی امضاء خواهند کرد.  
مدیر کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی  
۱۳۵۸/۴/۳۰ - ق - ۱۳۵۸/۴/۳۰



در بالا متن آگهی تصمیمات مجمع عمومی  
سالیانه شرکت بازرگانی و ساختمانی  
"اهداف" متعلق به آقایان بهشتی،  
رجائی، باهنر و... آورده شده است  
( مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۰۰۲۷  
در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۴ )  
این افراد که خود از سرمایه داران  
این مملکت هستند، در مقام نمایندگان  
مجلس و یا در راستای مهم مملکتی  
از منافع چه طبقه و چه قشری حمایت  
میکنند؟  
آیا جز این است که آقایان بهشتی و  
رجائی و باهنر و دیگران که خود در زمره  
سرمایه دارانند از منافع طبقه سرمایه  
دار دفاع کرده و در جهت تثبیت و تحکیم  
سرمایه داری وابسته گام بر میدارند؟



# استقلال - کار - مسکن - آزادی



از آن جا که کارخانه داران برای کسب سود احتیاج به نیروی کار کارگر دارند و از آن جا که کارگر و خانواده اش باید زنده بمانند که نسل اندر نسل برای سرمایه داران کار کنند باین خاطر سرمایه داران حداقل حقوق لازم را برای زنده ماندن یک خانواده کارگری باومی پردازند . مسلم است که برای سرمایه داران مهم نیست که نیاز کارگران چیست ؟ بلکه برای آنها مهم اینست که نیاز خودشان چیست ؟ در آینده چه مقدار نیروی کار احتیاج دارند و برآن مبنای انواع و اقسام حیلها و قوانین شکل خانواده کارگر را مطابق الگوی خودش تعیین می کند و او را مجبور به تبعیت از آن (بظاهر و در زبان قانون) می نماید . مثلاً حق اولاد فقط به دو فرزند تعلق می گیرد و یاد دستمزد کارگر را بر اساس دو فرزند تعیین می کند .

کم کند .  
۸ - گفتیم سرمایه دار قسمتی از دستمزد را به عنوان پایه اعلام می کند و بقیه را خرید ، خرد یا افزایش فشار کارگران به صورت عیدی و پاداش و غیره می پردازد . این مسئله به این خاطر است که اگر کارگران اعتراض و اعتصابی برای افزایش دستمزد کردند برای راضی کردن آنها مقدار دیگری از حقوقشان را به آنها به عنوان امتیازی که از سرمایه دار گرفته اند پردازد و آن ها را راضی نگه دارد .

۹ - از آن جا که تعیین پایه دستمزد و میزان آن غیر عادلانه است و حتی در صورت پرداخت کامل حداقل دستمزد ، باز هم زندگی کارگر و خانواده اش که معمولاً بیشتر از ۴ نفر هستند ، تامین نمی شود ، کارگر همواره مجبور به اضافه کاری برای سرمایه دار است ، یعنی کارگر مجبور است برای تامین حداقل مایحتاجش به جای ۸ ساعت کار در روز ۱۰ ساعت یا بیشتر کار کند .  
و از آن جا که سرمایه داران با تکیه بر ارتش بیکاران ترسناک دست دادن کارگران را ندارند ، معمولاً هیچگاه حداقل واقعی دستمزد تعیین شده از طرف خودشان را نیز به کارگران نمی پردازند و روی این اصل می توان گفت تقریباً

دولت سرمایه داران نیز بر همین مبنا ، حداقل دستمزد کارگر را تعیین می کند ولی آن را رسماً اعلام نمی کند . بلکه قسمتی از آن را رسماً اعلام می نماید . مثلاً اگر برای مینا (بخاطر داشته باشیم که مینا از ابتدا ظالمانه و بر اساس منافع سرمایه دار تعیین شده بود) حداقل مخارج کارگر و خانواده اش یکصد تومان در روز تعیین شود ، دولت آن را ۶۵ تومان اعلام میکند و مابقی

## سود ویژه

# کاهش دستمزد کارگران است

بقیه از صفحه ۱  
در حقیقت

مبارزات پیگیر کارگران مجبور به پرداخت آن شده بودند .

۱۲ ماهه کار در سال یعنی چه ؟

یعنی اگر کارگری جمعه ها و روزهای تعطیل رسمی را کار نکند ، آن را به حساب کار در سال نمی آورند . آیا اگر کارگری از مرخصی سالیانه اش استفاده کرد به این معنی خواهد بود که ۱۲ ماه در سال کار نکرده است ؟ آیا اگر کارگری به علت بیماری خودش یا افراد خانواده اش مجبور به مرخصی گرفتن شده باشد این معنی خواهد بود که ۱۲ ماه در سال کار نکرده است ؟  
آیا اگر کارگری در راه آمدن به کارخانه تصادف کرد و پایش شکست و مجبور شد ۲ ماه در بیمارستان بخوابد تا پایش خوب بشود به این معنی خواهد بود که ۱۲ ماه در سال کار نکرده است ؟

آیا اگر کارگران به خاطرستم و استثماری سرمایه دار ، به خاطر ظلم بی حد او دست به اعتصاب زدند و یک هفته کار نکردند به این معنی خواهد بود که کارگران ۱۲ ماه در سال کار نکرده اند ؟

این قانون هیچ چیزی را روشن نکرده است . هر سرمایه داری می تواند طبق این قانون در آخر هر سال در مقابل کارگران ادعا کند که ۱۲ ماه در سال کار نکرده اند پس ۲ ماه عیدی هم به آنها تعلق نخواهد گرفت و از آنجا که هیچ کارگری نمی تواند دقیقاً ۱۲ ماه در سال کار کند ، این قانون دست سرمایه دار را باز می گذارد که این ۲ ماه عیدی کذایی را هم ، هر مقدار می تواند کم کند ، و یا حتی اصلاً آنرا نپردازد . کار حتی به جائی کشیده است ، که یک مقام بلند پایه وزارت کار میگوید : "این مصوبه به خاطر نجات کارخانجات (بخوان کارخانه داران) و کارگاههای کشور از خطر رکود بیشتر تنظیم شده است . اگر این کار نمی شد سود ویژه پرداختی بکارگران تخفیف پیدا نمی کرد و بیم آن می رفت که کارفرمایان نتوانند از عهده پرداخت وجوه های لازم خود بیاورند . . . ."

الحق که دولت جمهوری اسلامی در جهت تامین امنیت سرمایه های "مشروع" ! "به مشروع ترین شکلی اقدام می کند !  
الحق که این دولت ، دولت واقعی مستضعفان است !

همه کارگران مجبور به اضافه کاری هستند و در حقیقت در ازای ۱۰ ساعت کار یا بیشتر ، به حداقل دستمزد تعیین شده دست پیدا خواهند کرد . حیلها و سرمایه دار تمامی ندارد ، سرمایه دار با تمام نیرو و توانش سعی میکند هر چه بیشتر حق کارگر را باطل نماید و دولت سرمایه داری نیز دست در دست سرمایه دار قوانین جور و اجوری را بر علیه کارگران و بنبف سرمایه داران تصویب می کند .

بنابراین دلایل فوق ، مانع آنها قانون سهم شدن کارگران در سود کارخانجات را بنبف کارگران نمی دانیم بلکه آنرا قانونی استثمارگران و ظالمانه می دانیم . ولی لغو آنرا در صورتی مجاز می دانیم که با تصویب قانون جدیدی به نفع کارگران همراه باشد . نه با مطرح کردن ۲ ماه عیدی به ازای ۱۲ ماه کار در سال ، آنهم بصورت فوق .

حال ببینیم چه ضرورتی ایجاب می کرد که قانون سهم شدن کارگران در سود کارخانجات لغو شود . و به جای آن عیدی و . . . مطرح شود ؟

۱ - ایجاد توهم در کارگران : بدین معنی که آنها تصور کنند که در سود حاصل از کارشان سهم اند و افزایش تولید ، و کاهش ضایعات موجب افزایش سهم خود آنها می شود و بدین دلیل با تمام قوا سعی در افزایش سهم خود کنند که در نتیجه آن سهم کارفرما به نسبتی بسیار زیاد تر افزایش می یافت .

۲ - فریب کارگران و پنهان کردن زشتی سرمایه داری بدین معنی که سرمایه داران را نه شخصیتی استثمارگر بلکه سهم بری چون خود بدانند .

۳ - پرداخت سهم بیشتری از دستمزد بکارگر ، به قصد افزایش قدرت خرید کارگر و گسترش بازار که در حقیقت باز هم بنبف سرمایه داران بود .

مبارزات بعدی کارگران برای تثبیت سود ویژه در همه سالها از یک طرف و وجود امکان کنترل دفاتر کارخانه توسط کارگران (زیرا کارگران در ۲۰٪ سود سهم بودند و همواره این حق را داشتند که بدانند سود واقعی چقدر بوده است) . از سوی دیگر باعث شد که در سالهای بعد و تا همین اواخر بجای تقسیم ۲۰٪ سود کارخانه بین کارگران ، با بستن پیمانهای دسته جمعی ، در

آن را خرد کرد ، و در اثر فشار کارگران بصورت عیدی ، پاداش ، سود ویژه و غیره می پردازد . سرمایه دار باین حیلها اهداف گوناگونی را دنبال میکند که ما مهمترین آنها را در زیر می آوریم :

۱ - سرمایه دار بخاطر پائین نگه داشتن وثابت نگه داشتن پایه دستمزد هر زمان که مجبور به اضافه کردن آن بشود مزایا را افزایش می دهد نه پایه دستمزد را و این توقع را در کارگر بوجود نمی آورد که پایه حقوق سریع ترقی کند .

۲ - با این حیلها حداقل سطح زندگی را بدروغ پائین تر از میزان واقعی نشان می دهد و از این طریق تقاضای بیشتر کارگران را زیاد می کند و آنها قلمداد می کنند .

۳ - پایه دستمزد پائین نگه می دارند تا در صورت اخراج و یا بازنشستگی که سرمایه دار مجبور است بر مبنای پایه دستمزد مبلغی به کارگر بپردازد ، میزان این پرداخت حتی الامکان کمتر باشد .

۴ - مابقی دستمزد را سرمایه دار متناسب با شرایط به شکلی بکارگران می پردازد (البته تا بتواند از آنهم کم می کند ، چرا که خیل عظیم بیکاران ، خطر کمبود نیروی کار را به میزان زیادی کاهش می دهد) مثلاً در سالهای "رفرم ارضی" شاه به صورت سهم شدن کارگران در سود کارخانجات و یا در حال حاضر بصورت ۲ ماه عیدی در ازای ۱۲ ماه کار که مانع اعتصابات کارگری بشود .

۵ - پرداخت مزایا بصورت فوق ، عادت دادن کارگران به کمک و الطاف سرمایه دار و عادت دادن آنها به تقاضای کمک از سرمایه دار است . چنین فرهنگی سرمایه دارانی نمی کند ، بلکه وجود او را لازم و فقط تقاضای عدالت و رحم و شفقت از او را افزایش میدهد .

۶ - تدوین و تصویب چنین قوانین ظاهر فریبی ، ماهیت دولت بورژوازی را از چشم کارگران میپوشاند و این توهم را در کارگران بوجود می آورد که دولت به خاطر منافع کارگران ، سرمایه داران را مجبور می کند امتیازاتی به کارگران بدهد .

۷ - پرداخت قسمتی از دستمزد بصورت عیدی ، پاداش ، سود ویژه و . . . این امتیازات را به سرمایه دار می دهد که هر لحظه خواست بتواند آنرا حذف و یا از آن

## سود ویژه، که قسمتی از دستمزد کارگران است، باید پرداخت گردد

# نامه یک معلم انقلابی

در یکی از دبیرستانهای جنوب شهر تدریس می کنم (۱۱ سال سابقه کار دارم). هفته پیش از دبیرستان اطلاع دادند که برای من یک حکم بازنشستگی فرستاده اند. مراجعه کردم و حکم را گرفتم. بدون هیچ توضیحی فقط نوشته بودند به افتخار بازنشستگی نائل می شوید. حکم مستحق! از وزارت آموزش و پرورش صادر شده بود و مجوز قانونی آن هم یکی از مصوبات شورای انقلاب بود که فعلا از مفاد آن لایحه اطلاعی ندارم. به رئیس اداره مراجعه کردم گفت اطلاع دقیقی از موضوع ندارد فقط می دانند که هیئت پاکسازی اداره پرونده عده ای از دبیران را خواسته و پس از مطالعه برای آنها تقاضای بازنشستگی، بازخرید یا اخراج نموده است. پرسیدم به چه دلیل؟ گفت به استناد اطلاعاتی که در مورد آنها از کانال های ارتباطی که در مدارس دارد بدست آورده است. تقاضای ملاقات با هیئت پاکسازی را کردم گفت امکان ندارد. به وزارت

آموزش و پرورش رفتم گفتند فعلا وزیر نداریم چون وزیر به نمایندگی مجلس انتخاب شده به اطاق معاون وزیر رفتم گفت وزارتخانه هیچ دخالتی غیر از فرستادن احکام در این جریان ندارد و همه این برنامه ها تحت نظر هیئت پاکسازی وزارتخانه که هیچکس غیر از وزیر آنها را نمی شناسد انجام گرفته است و اگر شاکی هستید باید به اداره ارشاد و بررسی بروید. به اداره مذکور رفتم و حدود ۲ ساعت با مسئولین یکی از قسمتهائی که کار من به آنها مربوط می شد صحبت کردم خلاصه حرفهایشان این بود که فقط کسانی می توانند در آموزش و پرورش کار کنند که دانش آموزان را در خط امام و انقلاب اسلامی پیش ببرند و حتی بهترین کادر های آموزشی ما حتی اگر در رژیم قبل بیشترین مبارزات را کرده باشند ولی از نظر فکری در خط انقلاب نباشند باید پاکسازی شوند و یکی از ۴ نفری که نشسته بود صریحا گفت "همه هواداران

چریکها و مجاهدینی هاشم شمول تصفیه شده اند چون شغل معلم خیلی حساس است و ما نمی خواهیم که این اشخاص منحرف با دانش آموزان تماس داشته باشند" طبیعی است که من وانمود کردم جزء هیچکدام از کسانی که نام بردید نیستم و در مورد من اشتباه شده و تقاضای رسیدگی دارم. یکی از آنها جواب داد که ما به شکایات رسیدگی می کنیم و ممکن است در مورد بعضی ها به این نتیجه برسیم که بازنشستگی هم برایشان کم بوده و باید اخراج شوند و تلویحا مرا تهدید کرد که زیاد دنبال قضیه را نگیرم. مطابق آخرین خبری که از دبیرستان دارم از ۸۰ - ۷۰ نفر دبیری که در آنجا تدریس میکنند ۳۰ - ۲۰ نفر ممکن است اخراج شوند که فعلا مشخص نیست چه کسانی هستند و اگر اینطور باشد احکام آنها حداکثر تا آخر مرداد فرستاده می شود...

## در روستاهای خاده مشهد - قوچان

### با اعمال نفوذ روحانیون در تقسیم آب

#### ۹ روستائی کشته و ۵۰ نفر مجروح شدند

در روستاهای قلعه نو، کا هو، اسکل، میدان اسکل و دولت آب واقع در اطراف خاده مشهد - قوچان، اخیرا درگیری های روی داده منجر به کشته شدن ۹ روستائی و مجروح شدن حدود پنجاه روستائی دیگر شد. این درگیریها عمدتاً بر اثر اعمال نفوذ روحانیون - بخصوص امام جمعه مشهد و اعمال زورپاداران و کمیته چپها در گرفت. روستاهای مزبور حدود هشت هزار نفر جمعیت دارند که عمدتاً از طریق باغداری و مراعات می کنند. آب مورد نیاز این روستاها که از یک رودخانه تا مین می شود از سالهای پیش بر اساس معیارهای سنتی تقسیم می شده است اما از بهمن ۵۷ به بعد، بعزت نفوذ تعدادی از اهالی روستای دولت آباد در نهادهای جدید و نیز خویشاوندی با امام جمعه مشهد، اهالی این روستا آب بیشتری را بخود اختصاص میدادند. باغ داران روستاهای دیگر که باغهایشان در معرض

نا بودی قرار گرفته بود به مراجع مختلف دولتی مثل ژاندارمری و استانداری مراجعه کردند اما همه شکایات و مراجعات بی نتیجه بود. در اوائل تابستان جاری، از هر روستا ده نفر بعنوان نماینده و معتمد برای گفتگو بر سر تقسیم آب جمع شدند که اهالی دولت آب در پناه کمیته چپها، با اسلحه به این عده حمله کردند، در این حمله ۵ نفر کشته و ۵ نفر مجروح شدند. آنچه در این درگیری جلب توجه میکرد سردمداری دوبرادران اهالی دولت آب بود که چندی پیش بخاطر شرکت در باند قاجاق فردی که اعدام شد سنگسار شده بودند ولی بعد با کمک کمیته چپهای اهل دولت آب دفن قرار کرده بودند.

هنوز مسئله تقسیم آب بین چند روستای یاد شده حل نشده و پاداران و کمیته چپها با این با صلاح نهادهای انقلابی جمهوری اسلامی همچنان به حفظ و حراست روابط و مناسبات کهنه و پیوسیده مشغولند.

## "خودکفا شدن" به تعبیر جمهوری اسلامی یعنی چه؟!

حاکمه یعنی اینکه باز عده ای بخورند و عده ای دیگر بخاطر اینکه مالکیشان "مشروع و اسلامی" نیست گرچه تولیدکنندگان مستقیم باشند، گرسنه بمانند. مسلم این است دولتی که پاسدار منافع سرمایه داران و زمینداران باشد نمیتواند مدافع منافع توده های زحمتکش باشد. مسلمانین گونه دولت ها نه تنها نخواهند توانست علیه امپریالیسم کاری انجام دهند بلکه حتی بلپوشاندن لباس اسلامیت و مشروعیت به پایه های وابستگی، مانع نابودی آن هم خواهند شد. توده های زحمتکش این را خوب درک می کنند که دولتی که در جهت منافع توده مردم زحمتکش حرکت نکند اجبارا در درون آنها خواهد ایدایسختا دواجبارا پاسدار ظلم و بیعدالتی خواهد بود.

مواجه شدند. این دخالت در "گوراب" شکل جادویی بخود گرفت. پاسداران برای بردن گندمی که پس از برداشت جمعی در خانه یکی از روستائیان جمع شده بود هجوم آوردند. روستائیان مقاومت کردند ولی پاسداران با زور اسلحه گندم را باس اینک "غصبی است" با خود بردند. پس از شکایت روستائیان به رئیس دادگاه "نورآباد" مرکز شهرستان ممسنی، دونفر نماینده روستائیان را دستگیر و زندانی کردند ولی در اترش مردم و نارضایتی شدید آنها را با قید ضمانت آزاد کردند، اما گندم روستائیان را پس ندادند و روستائیان همچنان در تعقیب شکایت خود با میدپس گرفتن محصول رنجشان هستند. دولت ادعا میکند که از نظر تولید گندم در حد خودکفائی است و حتما خودکفائی از نظر هیئت

در رابطه با برداشت محصول گندم در روستاهای شیراز، جهاد سازندگی اقدام به ضبط مقادیری از محصول بنفع جهاد کرد. این عمل با واکنش اکثر روستائیان مواجه شد و در برخی روستاها کار به درگیری نیز کشید. بطوریکه در روستای "سعادت آباد" در نزدیکی شیراز، مقاومت و مقابله روستائیان منجر به کشته شدن یک نفر شد. این حرکات سبب شده که روستائیان در مقابل جهاد سازندگی وسیله موضع بگیرند. مورد زیر شرح یکی از این برخوردهاست: در جریان قیام مردم آبادی های اطراف ممسنی زمین های مالکرامصلاره کرده و کشاورزان هر روستا زمین ها را با کار مشترک کشت کردند. اما مسال زحمتکشان روستا نیروی بیشتری برای بهره برداری از محصول خود گذاشتند ولی هنگام برداشت محصول با دخالت سپاه پاسداران

## نظری کوتاه بر عوام فریبی ها و ...

بقیه از صفحه ۸

وابسته و زمینداران است معنا می دهد. مبارزه توده های تحت ستم و استثمار برای یکف آوردن حقوق از دست رفته خویش، حقیقی ترین مبارزه ضد امپریالیستی است که دارای ماهیت انقلابی است، ما تنها به پشتیبانی از چنین مبارزاتی علیه امپریالیسم برمی خیزیم که بطور عینی در جهت منافع مبارزاتی توده ها است. برای چنین مبارزه ای که لزوماً باید به نیروی عظیم توده ها متکی گردد، تاپای جان در کنار خلق و علیه امپریالیسم خواهیم ایستاد.

استثمارگران دست به مبارزه نزنند، کمپانیهای تسلیحاتی آمریکا بکار نخواهند افتاد و بهمین جهت مقصراصلی در این میان مبارزین هستند نه سرکوبگران ضد انقلابی!!

امادراین مورد که، حتی یک گلوله علیه آمریکا شلیک نکرده ایم باید با قایان متذکر شویم که برای فدائیان خلق مبارزه ضد امپریالیستی هیچگاه در شعارها خلاصه نمی شود. برای ما مبارزه ضد امپریالیستی نه در سرکوب خلقها و زحمتکشان و نیروهای انقلابی بلکه در مبارزه با پایگاه داخلی که همانا سرمایه داران



# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



# "شورای انقلاب" بار دیگر با تصویب قانون "تشکیل شوراهای اسلامی کارکنان..."

## دفاع از منافع سرمایه داران را به انجام رسانید

"شورای انقلاب" که از کار نزدیک بدو سال خود در جهت دفاع از منافع سرمایه داران راضی نبود، در آخرین روزهای عمر طولانی شتابزده و عجولانه دست بتصویب یک سلسله قوانینی زد تا حداقل وظیفه شرعی و قانونی خود را در حد و وسع انجام رسانیده باشد. "قانون تشکیل شوراهای اسلامی کارکنان واحدهای تولیدی، صنفی - خدماتی و کشاورزی"، "قانون تصفیه و پاکسازی"، "قانون لغو سود ویژه"، "قانون تعیین حداقل دستمزد کارگران کشاورزی".

همانطور که در شماره قبیل نیز گفته ایم قانون تشکیل شوراهای برای دومین بار بدون صحبت از اولین قانون دریاغیز سال گذشته بتصویب رسیده است. این قانون آئیننامه تمام نمایی از شیوه برخورد دولت با شورا و بیان عریانی از سیاست ضد شوراگی حاکمیت سیاسی است. دو جناح هیئت حاکمه در برخورد با مبارزات کارگران و زحمتکشان، و در رابطه با یکی از مهمترین سازمانهای مبارزاتی آنان یعنی "شوراها" دو سیاست متفاوت را تعقیب می کردند. انحلال شورا توسط جناح لیبرال ها بریاست رئیس جمهور و سی محتوای آن توسط جناح حزب جمهوری اسلامی، ولی در اثر او جگیری مبارزات آنان بالا جبار هیئت حاکمه محور سیاستهای ضد شورایی خود را نه بر نفی و سرکوب شوراها بلکه بر نفی نمودن شوراها از محتوای انقلابی، ایجاد شوراهای زرد و تحمیل نقش "مشورتی" بشوراها قرار داده است و سایر شیوه های سرکوب عریانی تر را در جوار این سیاست محوری و برای تکمیل آن بکار میگیرد. قانون تشکیل شوراها "مصوبه شورای انقلاب" این سیاست را به عریان ترین شکل بیان میکند.

بنابر گفته سخنگوی وزارت کار و امور اجتماعی (جمهوری اسلامی سه شنبه ۳۱ تیر ماه) "بر اساس اصول یکصد و چهارم و یکصد و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - در پی نظر خواهی از کارکنان و مدیران و اعضای شورای اسلامی، و بحث

و بررسی همه جانبه در شورای عالی کار قانون تشکیل شوراهای اسلامی... به تصویب شورای انقلاب رسیده است."

اصل ۱۰۴ قانون اساسی میگوید "بمنظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی و... شورایی مرکب از نمایندگان کارگران، دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران... تشکیل می شود".

قانون اساسی ارتجاعی که "بحق" مبنای قانون شوراهاست از ابتدا چهارچوب شوراهای فرمایشی هیئت حاکمه را بعنوان نهادی "مشورتی" برای هماهنگی کارکنان و مدیران، و در نتیجه با شرکت مدیران، مشخص نموده است. و بنا بر این کاملاً "منطقی" است که قانون اجرای این شوراها با مشورت و نظر خواهی از مدیران (بخوان سرمایه داران) تهیه گردد و تهیه کننده آن نیز یک نهاد سرمایه داری یعنی "شورای عالی کار" باشد (قانون کار پیشنهادی حزب جمهوری اسلامی، شورای عالی کار را مرکب از وزیر کار، دو نفر صاحب نظریه پیشنهاد وزیر کار و دو نفر نمایندگان مدیران به پیشنهاد وزارت صنایع و معادن و چهار نفر نماینده منتخب شورا های اسلامی یعنی ۵ نماینده بلاواسطه سرمایه داران و ۴ نماینده شوراهای اسلامی تعریف میکند) و باز هم بسیار "منطقی" است که بعد از آنکه این قانون از تصویب "شورای انقلاب" گذشت "وزارت کار و امور اجتماعی مسئول نظارت بر حسن اجرای مفاد این قانون... باشد" (ماده ۶۶)

با وجودیکه با چنین ترکیب یکدستی از نمایندگان سرمایه داران میتوان محتوای "شورا های اسلامی" مصوبه را از ابتدا بخوبی تشخیص داد ولی برای

آشنایی بیشتر با "ماهیت" هیئت حاکمه به بررسی مختصری از مواد این قانون میپردازیم. در قانون شوراها آمده است که: "ارگان شورای اسلامی کارکنان عبارتست از الف مجمع کارکنان ب - شوراهای اسلامی کارکنان" (ماده ۱) که "مجمع کارکنان از کلیه کارکنان شاغل... از کارگزار ساده تا مدیر تشکیل میشود" (ماده ۲) و... شورای اسلامی کارکنان از بین کلیه کارکنان واحد اعم از کارگزار ساده تا مدیر انتخاب و... (ماده ۴) از ابتدا قانون گذار وظایف خود را بخوبی انجام داده است

یعنی برای حفظ چهارچوب قانون اساسی در عین حال برقراری "جامعه قسط اسلامی" حضور مدیران را در همه ارگانها در کنار کارگران ساده "گوشزد" می نماید تا بدین طریق برابری کامل حقوق بین "مدیران" (بخوان سرمایه داران) و کارگران برقرار گردد!

از جمله وظایف مشخصه شورا های کارکنان و مدیران (سرمایه داران) عبارت است از الف: ایجاد روحیه مشورت، همکاری و همبستگی بین کارکنان و مدیران هر واحد... د - همکاری با مدیریت در تهیه برنامه ها بمنظور پیشبرد امور واحد... ه - کوشش در بالا بردن سطح تولید و دستیابی سریعتر به استقلال واقعی اقتصادی و تحقق خود کفائی" (ماده ۵). در اینجا قانونگذاران در حمایت مستقیم از منافع سرمایه داران صریحاً مطرح می کنند که وظیفه "شورا" ایجاد "همبستگی و همکاری" بین کارکنان و سرمایه داران است و این همکاری مشخصاً باید در جهت "پیشبرد امور واحد" یعنی افزایش تولید و سودرسانی به جیب "مدیران" باشد. مسلم است که نمیتوان به کارگران و زحمتکشان صریحاً گفت "باید با اطاعت از دستور سرمایه داران (یعنی همکاری و همبستگی)

تولید را هر روز بالاتر ببرید تا جیب گشاد آنهار روز بروز پرتیر شود" و در اینجا است که سرمایه داران "صدامیریالیست" (!) بفکر "خودکفائی" و "بی نیازی از خارجیان" می افتند و کارگران و زحمتکشان مبارز آگاهند، تا زمانی که سرمایه های وابسته، کارخانجات مارا بگردش در می آورند افزایش تولید در درجه اول بسود سرمایه داران وابسته و در جهت تحکیم وابستگی است و تبلیغ این مساله توسط سرمایه داران (و ایضا پورتونیستها) هدفی بجز مکیدن هر چه بیشتر شیر جان زحمتکشان ندارد.

از سوی دیگر قانون صریحاً مطرح میکند که شورای اسلامی نقش "بجز همکاری و همبستگی" و در نهایت "مشورت" با مدیران و سرمایه داران ندارد. بیرون رفتن از این چهارچوب، غیر قانونی و غیر شرعی است ماده ۵ در مورد وظایف شورای اسلامی میگوید "... ج - نظارت بر امور واحد بمنظور آگاهی از امور جاری و انجام صحیح کار و ارائه پیشنهاد های سازنده" و در تبصره همین ماده آمده "نحوه نظارت نباید طوری باشد که مانع گردش طبیعی کار گردد!" حال گردش طبیعی کار یعنی چه، مسلم است که گردش طبیعی کار نوعی از گردش کار را گویند که سود هر چه بیشتر نصیب سرمایه داران نماید و در این گردش هیچ گونه اختلال غیر طبیعی بخصوص از نوع کارگری وجود نداشته باشد!

در عین حال شوراهای اسلامی در مدیریت کارخانه و واحد تولیدی نیز نقش مشورتی (!) دارند و برای این کار "شورای اسلامی کارکنان باید نماینده خود را در مدیریت... معرفی نمایند" (ماده ۸) "تعداد نمایندگان شورا در مدیریت و هیئت مدیره های سه نفره یک نفر و در هیئت مدیره های ۵ نفره بالا یک یا دو نفر خواهد بود"

(تبصره ۲ ماده ۸) این ماده بطور کامل حقوق سرمایه داران و مدیران را در تصمیم گیری و اداره کامل تولید و فروش... تضمین می کند زیرا اگر فرض (فرض محال) عنصری بنا "گرایش کارگری یا اصلاح طلبانه" توانست خود را تا مدارج بالا رسوخ دهد و بعنوان نماینده شورا در مدیریت وارد شد آنوقت مدیران محترم و اعضای هیئت مدیره بتوانند با "رای قاطع" خود مشت محکمی بر دهان او بکوبند!

هیئت حاکمه تا اینجا توانسته است سیاست محوری خود یعنی خالی نمودن شوراهای از محتوای طبقاتی و مبارزاتی و در عین حال تثبیت نقش مشورتی شوراهای یعنی در کل تبدیل شورا به زائده ای از مدیریت را بنحوی "احسن" انجام دهد. ولی مسلماً نمیتوان به این حد اکتفا کرد بلکه قانون باید آنقدر محکم باشد که هر سعی کارگران و زحمتکشان هیچگونه مویبی لای درزش نرود و سرمایه داران محترم بتوانند با خیال آسوده سرمایه خود را "بخطر" انداخته چرخ صنایع و تولیدات مارا در جهت خود کفائی "بحرکت" در آورند (!) بهمین جهت است که افراد انتخاب شونده در شورا باید اولاً "از صفت تقوی" برخوردار باشند و دوماً "حداقل دو سال سابقه کار متوالی قبل از انتخابات در همان واحد" دارا باشند. (ماده ۷) معنی این دو ضابطه برای کارگران آگاه بخوبی روشن است. میدانیم که رژیم مغفور - پهلوی - دستگا جهنمی ساوا کو بهر گیری از کمک سایر نیروهای انتظامی تا حد ممکن کارخانجات را از نیروهای مبارز "پساک" نموده بود و همچنین همه میدانند که پس از قیام نیروهای مترقی و در آن آنها کمونیستهای زیادی به کارخانجات روی آوردند و اکنون هیئت حاکمه با نهادن شرط "دو سال سابقه کار در همان واحد" میخواهد فعلاً "خیال سرمایه داران را از بابت انتخاب شدن این نیروهای جدید الورود راحت کند و بقیه در صفحه ۶

### یکی از اساسی ترین سیاستهای جمهوری اسلامی، مبارزه با شوراهای واقعی کارگران و زحمتکشان است.

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است



## شرکت پرسیزیون بدون پرداخت حقوق ۱۸۰۰ کارگرو کارمند دوماه تعطیل شد

شرکت پرسیزیون مسجده سلیمان یکماه تعطیل شد بدون آنکه حقوقی به کارکنان پرداخت شود، بعد هم گفتند ما هم رمضان است و شرکت کار نمیکنند. کارکنان شرکت پرسیزیون که ماه همدواز بلا تکلیفی و بی حقوقی بسر می بردند، سرانجام بعد از تحصن ها و راهپیمایی های متعدد موفق شدند ۳ ماهه حقوق عقب مانده خود را از شرکت دریافت کنند. کارکنان در مدتی که برای گرفتن حقوق خود مبارزه می کردند مدام مورد ضرب و شتم و هجوم پاسداران و باندهای چماقدار، وزیر باران تهمت ها و افتراها قرار داشتند.

اعتنا به حقانیت اعتراض شورای کارکنان، تصمیم خود را عملی می سازند و کارخانه را تعطیل میکنند که متعاقب آن ۱۸۰۰ کارگرو کارمند بدون دریافت حقوق، بیکار می شوند. مسئولان برای این عمل خود هیچگونه دلیلی به کارکنان ارائه ندادند فقط وعده کردند که پس از یکماه تکلیف شرکت و کارکنان روشن خواهد شد. کارکنان پس از تحمل یکماه بیکاری در تاریخ ۲۱/۴/۵۹ به شرکت مراجعه می کنند تا مشغول کار شوند، اما مقام مسئول شرکت به آنها می گوید: "حالا که ماه رمضان فرا رسیده است، شرکت تا آخر ماه رمضان هم همچنان تعطیل خواهد بود و حقوقی هم به کارکنان پرداخت نمی شود." اکنون کارگرو کارکنان و کارمندان می پرسند: با تعطیل شرکت به مدت دو ماه و عدم پرداخت حقوق، چگونه باید مخارج گران و کمربلکن خود را بخوانند؟

شان را تا مین کنند؟ چرا دستان انقلاب علیه شورای مرکزی شرکت توطئه می کنند؟ چرا اینها که از افزایش تولید و ایجاد کاردم می زنند با تعطیل کردن شرکت پرسیزیون، ۱۸۰۰ کارمند و کارگرو از کار بی می کنند؟ - کارگرو کارکنان می گویند: آنها قصد دارند این گفته "بنی صدر" که "شورا بی شورا - راه عملی سازند تا بتوانند هر بلائی که می خواهند بر کارگرو کارکنان و کارمندان در آورند، اما کارکنان مبارز و آگاه شرکت پرسیزیون که در مبارزات پرتلاش و پیگیر ما های اخیر خود آبدیده و ورزیده و با تجربه شده اند، هرگز امکان نمی دهند که توطئه های ضد کارگرو کارکنان و کارمندان را سرمایه داران به عمل در آید و حقوق حقه شان پایمال شود. آنها همچنان در سنگر شورا و با سلاح اتحاد و یکپارچگی برای کسب حقوق صنفی و سیاسی خود مبارزه خواهند کرد.

## شهرداری مسجد سلیمان ۱۲۰۰ کارگرو را اخراج کرده است

اخیرا شهرداری مسجد سلیمان ۱۲۰۰ تن از کارگرو را اخراج کرده است. این کارگرو عمدتاً با دریافت مزدهای ناچیز در اجرای طرح های اصلاحی شهرداری از جمله، آسفالت خیابان ها و کوچه ها و زدن پیل مشغول بودند و با اتمام این پروژه ها شهرداری آنها را از کار برکنار کرد. در ماه های قبل از این نیز شهرداری مسجد سلیمان گروهی از کارگرو را به علت نداشتن برگ معافیت و پایان خدمت نظام اخراج کرده بود. کارگروان اخراجی شهرداری، با تمام قوا در برابرین عمل مقاومت ورزیدند، آنها پس از مراجعه به دفتر رئیس جمهور و مقامات دیگر و بی نتیجه ماندن، به اداره کار مسجد سلیمان رفتند، اما رئیس اداره کار در پاسخ آنها گفت: "ما نمی

توانیم به اخراج شما کارگروان رسیدگی بکنیم بعد از اخراج بیا بیاید شکایت کنید". (کارگروان که از عمل شهرداری برخورداره، کار به خشم آمده بودند، بی آنکه توجهی به بخشنامه شهرداری بکنند، سرکار خود را مشغول کار شدند و در پی آن شوری خود را نیز تشکیل دادند، شورا برای دفاع از حقوق کارگروان و مواضع اخراج آنها شروع به فعالیت کرد اما مقامات مسئول همچنان می گویند که "هفتم مرداد ۱۳۵۹ این ۱۲۰۰ نفر کارگرو اخراج هستند و تمام کارهای عمرانی تعطیل می شود. هر چه هم بین کارگروان کار کنند حقوق ندارند" لکن کارگروان که نمی خواهند تن به اخراج و بیکاری بدهند هر روز سرکار خود حاضر می شوند.

در پی پرداخت حقوق معوقه کارکنان از سوی شرکت، مقام های مسئول تصمیم می گیرند شرکت را به مدت یکماه تعطیل کنند بی آنکه حقوقی به کارکنان بپردازند. شورای کارکنان به این عمل نا عا دلانه مسئولان شرکت اعتراض می کند، اما، مسئولان بی

## "شورای انقلاب" بار دیگر با تصویب...

در عین حال هر کارگرو مبارزی را بتواند در مدت "دو سال آزمایشی" از تمامی جوانب بسنجد و در صورت لزوم قبل از واجد شرایط شدن او را اخراج نماید. از طرف دیگر در مورد بقیه نیروهای باقیمانده نیز مساله بسیار روشن است هر کس که کاملاً "در خط مدیریت" نباشد یا کمونیست است یا منافق اگر هم جزو این دو دسته نباشد حداقل از "صفت تقوی" برخوردار است. "صفت تقوی" نتیجه "صلاحیت" انتخاب در شورا را خواهد داشت پس هر شورای ایجاد شده بشکلی کامل و یکدست "پرو خط مدیریت" خواهد بود.

چهار میخ بکشیم که دیگر کسی در این مملکت هوس شورا بسرش نزند، و به همین خاطر است که پس از تمامی تدابیر موجود در قانون جهت تبدیل شورا به نهادی "بی بو و خاصیت" و جهت دادن آن به سمت منافع سرمایه داران باز هم نهادی به نام "هیئت نظارت بر امور شوراها" اختراع میگردند تا "حسن روابط شورا و مدیریت و تحکیم وحدت میان آنان و همچنین داوری میان شورا و مدیریت" را تأمین نماید (ماده ۱۰) این هیئت از ۵ نفر تشکیل شده که عبارتند از "دو نفر عضو شورا های اسلامی - دو نفر از مدیران واحدها ... یک نفر نماینده دولت" (ماده ۱۲) یعنی در اینجا هم اکثریت قاطع (۳) بدست نمایندگان سرمایه داران و مدیران قرار دارد و به همین خاطر قانون گذاران با خیال راحت اعلام میکنند "رای هیئت نظارت ... قطعی و لازم الاجراست" (ماده ۱۱) هرگاه مطلب را خلاصه

کنیم می بینیم هیئت حاکمه زیر فشار توده ها و بالا بودن سطح آگاهی و مبارزاتی آنان مجبور است تن به رسمیت شناختن نهادی به اسم شورا بدهد، در نتیجه برای حفظ منافع سرمایه داران و کارفرمایان "قانون شوراها" را به تصویب می رساند و به این وسیله سعی می کند ۱- شوراها را به ارگانی آلت دست مدیران و سرمایه داران بدل نماید ۲- حدود وظایف و اختیارات شوراها را حداکثر در حد مشورت با مدیریت بدون کوچکترین حق تصمیم گیری تعیین نماید. ۳- از ورود عناصر مترقی و پیشرو به شوراها بطور کامل جلوگیری نماید. ۴- شوراها را در مقابل مدیریت بصورت وزنه های بسیار ناچیز و بدون قدرت اجرایی بدل نماید ۵- تحت لوای مبارزه ضد امپریالیستی و خودکفائی (۱)، شوراها را به آلتی برای فشار در جهت بالا بردن تولید و افزایش سود سرمایه داران بدل کند

بقیه از صفحه ۵  
۶- برای اطمینان از "حسن" اجرای این قانون و در نتیجه برای "خاطر جمع" نمودن سرمایه داران، شورا را تحت نظارت "هیئتی" از سرمایه داران و مدیران قرار دهد. و در یک کلام شوراها را به نهادی تهی از محتوای انقلابی و اجرایی و به زائده های از نهاد مدیریت و کلاهی شرعی برای چپاول و غارت سرمایه داران، بدل نماید.  
ولی با وجود این وحشت هیئت حاکمه حامی سرمایه داران از رشد و او جگیری مبارزات کارگروان بحدی است که تشکیل همین شورای زرد را "در شرکت های دولتی بزرگ از قبیل شرکت های تابه وزارت نفت و شرکت ملی فولاد ایران، شرکت ملی صنایع مس ایران و غیره منوط به تصویب هیئت وزیران" می کند (ماده ۱۴) بلکه سرمایه داران خوب احساس می کنند که دشمن طبقاتیشان کی و کجا خطرناکتر است. هر جا

متشکل تر و آگاهتر باشد، و واحد های بزرگ و دارای اهمیت استراتژیک (نفت، فولاد و غیره) از این قبیل اند. کارگروان پیشرو آگاهان و واحدها که در کوره مبارزات چندین ساله آبدیده شده اند و در سخت ترین شرایط سرکوب و خفقان نیز به حرکات و اعتراضات انقلابی خود ادامه میدادند بواقع که نیابستی مجاز به داشتن حتی "شورایی زرد" باشند و این از دولت جمهوری اسلامی حامی "مستضعفین" ابتدا عجیب و غریب نیست. اما تاریخ بارها ثابت کرده است که کارگروان و زحمتکشان را نمی توان در محدوده تنگ قوانین سرمایه داری مهار کرد، آنها بدفعات آن را نقض کرده اند و مرتباً "نیز حدود مرزهای آن را باز کرده اند و در بسیاری کشورها آن را درهم شکسته اند. رود پر خروش مبارزات توده ها همچنان به پیش می رود و چون سیلی بنیان کن ریشه سرمایه داری و امپریالیسم را بر خواهد کند.

## تعطیل دو روز در هفته نامین کننده رفاه کارگروان و لازمه ارتقا آگاهی آنان است

☆ ☆

## در ایران، اکثر امکانات درمانی در چند شهر بزرگ متمرکز شده و در خدمت طبقات مرفه است

# مسئله درمان و طب ملی

بقیه از صفحه ۱  
همچنین بیماریهای شغلی از قبیل سل و پنوموکوفیوز (بیماری ریوی ناشی از استنشاق مواد خارجی) در کارگران معدن نرمی استخوان در قالبیافها، تب مالت و سیاه زخم در کارگران کشتارگاهها، سرطانهای پوستی در کشاورزان که ساعتها زیر آفتاب سوزان کار می کنند و سرطان مئانه در کارگران کارخانه های رنگ سازی و بیماریهای ناشی از شرایط نامساعد زندگی و آلودگی آب آشامیدنی نظیر حصه، ورم کبد و بیماریهای انگلی و... شایع است. اما بیماریهای طبقات مرفه بگونه های دیگری باشد مثلاً بیماریهای نقرس ناشی از مصرف بیش از لزوم مواد گوشتی - مرض قند و مسمومیت، ناشی از استفاده بیش از حد وینامینها (مصرف زیاد داروهای تقویتی) و... اکثر این طبقات دیده می شود. این مسئله نه تنها در کشورهای تحت سلطه و وابسته بلکه در جوامع امپریالیستی نیز دیده می شود مثلاً در آمریکا عدم تعادل و ناهنجاری عظیمی در سطح درمان و بهداشت طبقات مختلف جامعه آمریکا وجود دارد و بعنوان مثال انواع بیماریهای عفونی در زاغه نشینان اطراف شهرهای بزرگ آمریکا شایع است و از امکانات بهداشتی و درمانی چندانی برخوردار نیستند. انجمن پزشکی آمریکا (A.M.A) که بر سرنوشته درمانی و بهداشتی مردم آمریکا حاکم است. یکی از بزرگترین شرکت های تجارتي است و طب بعنوان یک رشته تجارتي عمل کرده دارد. در ایران نیز که مناسبات سرمایه داری وابسته حاکم است مسئله درمان نیز تحت تأثیر سیستم اقتصادی - اجتماعی حاکم است. مثلاً مسئله بیمه کارگران در چهارچوب قانون کار و سیستم بیمه های اجتماعی کارگران عمل می کند، که بر اساس آن ۷ درصد از کل دستمزد کارگران به اضافه بخش دیگری از دسترنج آنها (به اسم حق بیمه پرداختی از سوی کارفرما)، به جیب دولت سرمایه داری واریز می شود ولی کارگران در قبال آن از کمترین خدمات درمانی بهره نمی گیرند. بخش خصوصی قسمت قابل توجهی از خدمات درمانی و بهداشتی را در ایران برعهده دارد و بر حسب میزان پولی که از بیمار دریافت می شود خدمات

درمانی عرضه می گردد. بنا بر این اکثریت مردم که قادر به پرداخت وجوه فوق نیستند از خدمات درمانی برخوردار نخواهند شد. همچنین توزیع خدمات درمانی کاملاً ناعادلانه و عمدتاً متمرکز در تهران و مراکز استانها و شهرستانهاست و حتی در شهرها نیز عمدتاً در خدمت طبقات مرفه است. بر اساس آمار منتشره از سوی نظام پزشکی ایران در سال ۱۳۵۸ از مجموع ۱۶۲۰۰ پزشک، ۴۵٪ در تهران ۲۱٪ در مراکز استانها و ۲۴٪ در سایر نقاط کشور به کار طبابت اشتغال داشته اند و از مجموع ۵۸۹۰ پزشک متخصص در رشته های مختلف، ۶۸٪ در تهران ۲۴٪ در مراکز استانها و ۸٪ در بقیه نقاط مشغول به کار بوده اند و اصولاً ۸۱ شهرستان پزشک متخصص نداشته است. بطور کلی در ایران نسبت یک پزشک به ۲۰۷۴ نفر بیمار بوده که این نسبت در تهران یک به ۵۹۹ و در مراکز استانها یک به ۲۱۰۰ و در سایر نقاط کشور یک به ۶۲۰۰ می باشد. نسبت متخصص به بیمار یک به ۵۷۰۲ بوده که این نسبت در تهران یک به ۱۱۴۸ و در مراکز استانها یک به ۷۴۰۰ و در سایر نقاط کشور یک به ۵۸۰۰۰ نفر بوده است. بر اساس آمار دولتی در حال حاضر حداقل ۹۰۰۰ پزشک ۹۰۰۰ دندانپزشک ۷۰۰۰ پرستار ۲۰۰۰ تکنیسین بهداشت، ۴۵۰۰ تخت بیمارستانی کمبود داریم که برای ایجاد حداقل آن دست کم ۳۰ میلیارد تومان بودجه لازم است. در ایران از هر ۱۰۰۰ نوزادی که متولد می شود ۸۵ نفرشان در سال اول می میرند و به هر ۱۰۰۰ نفر نوزاد ۱/۵ تخت بیمارستانی می رسد. بدیهی است که اکثر امکانات درمانی نیز فقط در چند شهر بزرگ متمرکز است و عمدتاً در خدمت طبقات مرفه می باشد. و در نقاطی نظیر سواحل خلیج فارس بیماریهای بومی مثل مالاریا و... بیداد می کند گرچه ارقام فوق وضعیت اسفبار بهداشتی و درمانی را نشان میدهد، اما باید واقعیتی دیگر توجه داشت که توده های وسیع مردم به نسبت های بسیار زیاد تری از درمان و بهداشت محروم

اند و این ارقام دقیقاً نمی تواند بازگوکننده وضعیت واقعی درمانی و بهداشتی توده های زحمتکش باشد. مقایسه آمار و ارقام فوق با برخی کشورهای سوسیالیستی از جمله اتحاد شوروی قابل توجه خواهد بود: از انقلاب اکتبر یعنی از سال ۱۹۱۷ تا حدود ۵۴ سال پس از آن یعنی ۱۹۷۱ تعداد پزشکان از ۲۸۱۰۰ به ۶۹۷۸۰۰ نفر و تعداد تخت های بیمارستانی از ۷۵۰۰ به ۲۲۳۰۰۰ و تعداد پلی کلینیک های مادر و فرزند از ۹ به ۲۱۳۰۰ رسیده. سیستم بهداشت و درمان همگانی در اتحاد جماهیر شوروی کلیه مناطق روستائی و شهری را بیکسان زیر پوشش خود دارد. کوچکترین واحد درمانی به نام پست امداد اولیه روستائی ۹۰۰ - ۳۰۰ نفر را می پوشاند که از یک پزشک یک خدمتکار و یک پرستار تشکیل شده که اکثر بیماران روستا در درمان می کند و با مسائل بهداشتی برخورد اولیه را می نماید بیمارانی که در آن مرکز قابل تشخیص و درمان نیستند به بیمارستان محلی که شامل تخصص های معمولی یعنی جراحی - اطفال، زنان و زایمان - داخلی و دندانپزشکی است و معمولاً ۵۵ - ۳۵ تخت دارد می فرستند. آن دست از بیماران که بیماری آنها در این مراکز تشخیص داده نمی شود به بیمارستانهای ناحیه ای که در حدود ۱۰۰ تخت و فرستاده می شوند و مریمیه های فوق تخصصی و مشکل نیز به بیمارستانهای بزرگ تختخوابی در شهرهای بزرگ برای تشخیص و درمانهای فوق تخصصی اعزام می شوند ضمناً پلی کلینیک های محلی با رشته های تخصصی مختلف برای بیماران سرپائی وجود دارد که در هر شیفت ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ بیمار را معاینه و مداوا می کنند. در کلیه این مراکز و نیز در موسسات مختلف تحقیقاتی، "بیشترین تاکید را بر امر "پیشگیری" می کنند به قول جی. راسفاردین پزشک قرن نوزدهم: فقط بهداشت است و پیشگیری می تواند در مقابل بیماریهای توده ها کار ساز باشد.

در تمام ممالک سرمایه داری حتی انگلیس که شبکه طب ملی دارد عمدتاً "به درمان توجه می شود و به پیشگیری به اندازه نمی شود. منظور از پیشگیری فقط مبارزه با بیماریهای عفونی و رعایت بهداشت شخص و یا مثلاً تزریق واکسن به تنهایی نیست. بلکه پیشگیری و بهداشت جامع شامل همه عوامل اجتماعی اقتصادی و طبی است. بر این اساس باید شرایط زندگی بهبود یابد و تحقق این امر مشخصاً در گروه نابودی مناسبات سرمایه داری و اختلافات طبقاتی است. تمام افراد جامعه باید از کار مناسب غذای کافی مسکن و استراحت لازم - فضای مناسب و آزاد برای پرورش استعداد های خود برخوردار باشند و همچنین امکانات لازم جهت ارتقاء سطح فرهنگ برای همه فراهم باشد و لازمه این چنین شرایطی، برانداختن سلطه طبقات استثمارگر است. بعد از قیام ۲۲ بهمن ۱۵۷۷ مردم به حل مسئله درمان همچون سایر مسائل مثل مسکن و... روبرو و بیشتر نقش بر آب شده است. در ماه های اول بعد از قیام طرح رفتمیستی طب ملی دکترا می وزیر بهداشتی وقت، از جانب دولت جمهوری اسلامی قبل از اجرا متوقف شد و در ادامه دکترا زگر و وزیر بهداشتی کنونی با همکاری صمیمانه دکترا ولایتی بساط تجارت در این رشته را با ایجاد حریم امنیتی مشروع، در سفره سرمایه داران طب ایران گسترده کردند. از عملکردهای دیگر حاکمیت، در حیطه واحدهای درمانی، وارد آوردن ضرباتی بر بیکر شورا های واقعی بیمارستانها و مراکز درمانی بود. آنان با گسترش فعالیت انجمن های اسلامی به مثابه شاخک اطلاعاتی حزب جمهوری اسلامی به مقابله با حرکت های انقلابی پرسنل درمانی پرداختند. شوراها که در جو تشدید مبارزه طبقاتی و با جهت گیری ضد سرمایه داری و جهت مقابله با تاجران حاکم بر بخش خصوصی و همچنین مسئولین ضد مردمی در بخش دولتی ایجاد شده بود، همواره زیر بر ضربه نمایندگان حاکمیت اعم از خواهد شد.

لیبرالها (عمدتاً) در اس بیمارستانها) و انجمن های اسلامی بوده است. نمونه بارز آن انحلال شورای بیمارستان مدائن تهران است که منجر به دستگیری و اخراج اعضای شورای بیمارستان توسط پاسداران شد. اقدامی که مشخصاً در جهت تثبیت منافع سهامداران بیمارستان بود. هر گونه ادعائی درباره مسئله درمان و طب ملی بفرع زحمتکش از جانب حاکمیت، در شرایطی که سیستم سرمایه داری حفظ و تحکیم می گردد، بوجهی محتواس است. حاکمیت موجود که از سوئی حامی منافع سرمایه داران است و از سوی دیگر تحت فشار توده های تحت ستم مجبور به انجام رفرمهایی حداقل در زمینه درمانی است سعی می کند، تا جایی که می تواند، از انجام خواسته های توده ها طفره رود و در نهایت پزشکان رامستول نابسامانی موجود معرفی نماید. حاکمیت با اعمال این سیاست سعی می کند خود را از معرکه خارج کرده و تمام نابسامانی های پزشکی و درمانی رانه ناشی از سیستم موجود یعنی سرمایه داری بلکه نتیجه سود جوئی و عدم احساس مسئولیت این یا آن پزشک معرفی کند. اگر در جامعه ما اکثریت پزشکان دنبال منافع شخصی خود هستند و هر چه بیشتر سعی میکنند پول بیشتری از بیمار بگیرند، و عملاً در خدمت طبقات مرفه هستند، این دقیقاً سیستم اقتصادی - اجتماعی موجود است که چنین شرایطی را پدید آورده است. همان سیستمی که حامیانش، پزشکان انقلابی و فداکاری نظیر رفقای شهید دکترا رشوند سرداری و دکترا نریمیساو... که مدتی از خدمت بخلق فرو گذار نکردند، به جوخه اعدام می سپارند و در عوض مزدورانی چون دکترا شیخ الاسلام زاده را در امان خود قرار میدهند، آنچه مسلم است حاکمیتی که عملاً منافع سرمایه داران را حفظ می کند، هیچگاه قادر به پاسخگوئی به نیازهای توده ها چه در امر بهداشت و درمان و چه در سایر زمینه ها نخواهد بود، تنها هنگامی که نظام سرمایه داری بر افتد، نیازهای توده ها در امر بهداشت و درمان نیز تامین خواهد شد.

## پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران

نظری کوتاه به

عوامفریبی ها و دروغ پردازی های روزنامه جمهوری اسلامی

هیات حاکمه که بعزت رشد  
خدا دها و تناقضات درونی و  
نا توانی اش در حل بحران  
جنگی، ماهیت ضد انقلابی  
خود را هر روز بیشتر در مقابل  
چشمان میلیون ها تن از توده های  
زحمتکش میهنان، عیان  
می سازد، با بیای تشدید اعمال  
فشار بر جریان های انقلابی و  
مترقی آنها را مورد و قبحانه ترین  
اتهامات قرار می دهد. دستگیر  
بهای وسیع و حتی در بسیاری  
موارد اعدام انقلابیون و بویژه  
مبارزین کمونیست، نشانه ضعف  
وزبونی حاکمیت در مقابل با  
فعالیت نیروهای انقلابی و رشد  
آگاهی سیاسی و طبقاتی  
توده ها است.

تاکنون سرکوب و تشدید فشار  
بر "فدائیان خلق" و  
"مجاهدین" محور اصلی چنین  
سیاستی بوده است.

مدتهاست که راه دیونلتویزیون  
و مطبوعات دولت جمهوری  
اسلامی طی برنامه ها و مقالاتی  
سراپا دروغ و کذب، حمله  
تبلیغاتی علیه سازمان ما را  
تشدید کرده و با تحریف واقعات  
تلاش می کنند تا بخیال خود،

ذهن توده ها را نسبت به  
"فدائیان خلق" مغشوش ساخته  
و با استفاده از اعتقادات مذهبی  
آنان، انرژی انقلابی توده ها را

بها نحراف کشانند. در بین  
مطبوعات دولتی، روزنامه  
جمهوری اسلامی، بیش از دیگر  
ارگانها، این رسالت را بر

عهده گرفته است. حزب  
جمهوری اسلامی که روزنامه  
مذکور ارگان رسمی آنست، در

طول تمام حیات سیاسی خویش  
نشان داده است که، همه گونه  
استعداد دروغ پردازی،

عوامفریبی، شایعه پراکنی و  
تحریف حقایق آشکارا دارد.  
آنچه که این حزب بالکل فاقد

آنست گفتن حقایق به  
توده ها است. زیرا آشکار  
شدن حقایق، ماهیت ضد

انقلابی این حزب را برملا  
میسازد. آنها یکروز صادق  
قطب زاده را صد در صد

انقلابی و در "خط امام"  
دانسته و در مقابل افشاگری  
نیروهای انقلابی و مترقی

طومارهای چند صد متری تهیه  
می کنند، و روزی دیگر بسبب  
خارج شدن وی از بانگ  
وابستگی "حزب"، او را  
مزدور و سرسپرده امپریالیسم  
امریکا میدانند! ...

روزنامه جمهوری اسلامی معتقد است اگر انقلاب بیست و هفت ساله  
سلطان علییه رژیم شاه نبود، شاه مجبور به مدرنیسم و کسری از پیش  
نمی شد، بلکه برعکس سران حزب، اگر استعمار سوسنگان علیهاستعمارگران  
دست به سزاره نرینسد، گمانی های تسلیم سها بی آمریکا بکارخواهد  
افتاد به همسین جهت مقصراصلی در ایسن میان سزارین سهاست  
سسه سرکوبگران ضد انقلابی !!

حزبی که رهبران اش افرادی  
نظیر بهشتی، رفسنجانی و  
آیت هستند، نمی تواند  
حاکمیت خود را بر اساسی جز  
فریب توده ها و کشاندن  
بخشهای نا آگاه آنها بدنیال  
خود، استوار کند. آنها  
عوامفریبانه و بزور تبلیغات  
سراپا دروغ و خدعه، کوشش  
می کنند که بر امواج مبارزات  
ضدامپریالیستی توده ها،  
سوار شده و با پوشاندن چهره  
واقعی خویش، خود را همچون  
رهبران مبارزات انقلابی و ضد  
امپریالیستی توده ها و انمود  
سازند. سپس تحت لوای  
مبارزه با امپریالیسم آمریکا،  
به توجیه سیاستهای ضد  
دموکراتیک و سرکوبگرانه خویش  
بپردازند.

روزنامه جمهوری اسلامی در  
جریان علنی شدن مبارزه ما  
علیه جناح اپورتونیستی  
سازمان، بیشترین جا رو جنجال  
تبلیغی را بر اه انداخت و در  
شماره پنجشنبه ۲۶ تیر ماه  
در مقاله ای تحت عنوان  
"ماهیت انشعابات و کمونیست  
های جامانده از کاروان انقلاب  
اسلامی" با استفاده از اظهارات  
جناح "کمیته مرکزی" نسبت به  
سابقه ده ساله وسن مبارزاتی  
افتخار آفرین "فدائیان  
خلق" کوشش می کند تا نقش  
سازمان ما را در قیام شکوهند  
بهمن ماه ۵۷ از ذهن توده ها  
بزدا بدو به نقل از مقاله مذکور  
می نویسد: "آنان مبارزه را  
بدون حضور توده ها و بانام  
توده ها آغاز کردند و در جریان  
قیام متوجه شدند که توده ها  
خارج از پیش بینشی و  
پیشداوریهای آنان به انقلاب  
مشغولند".

سرمداران حزب جمهوری  
اسلامی حق دارند، چنین  
بگویند، زیرا که نه تنها مبارزه در  
آن سالهای سیاه دیکتاتوری و  
خفقان را نظیر لیبرالهای جبهه  
ملی و نهضت آزادی "مصلحت"  
ندانسته و در سوراخهای خود  
خزیده بودند، بلکه نگاه نیز که

اوج گیری مبارزه  
توده های "شرایط" را برای  
حضور آنان فراهم می نمود شعار  
"ارتش برادر ما ست" را با تمام  
قدرت از هر سو فریاد می زدند. و  
سپس در آستانه قیام با سران  
و فرماندهان ارتش ضد خلقی  
و "ژنرال هویز" آمریکائی وارد  
مذاکراتی که "بمصلحت  
انقلاب" بود، شدند.

آری سران حزب جمهوری  
اسلامی بدون "حضور توده ها"  
و با "نام توده ها" صفحات  
درخشان مبارزات خود را به ثبت  
نرسانند. آنها چون لیبرالها  
تنها زمانی وارد صحنه شدند که همه  
و حتی آریامهر منفور نیز زدم  
از انقلاب میزد. و این مصلحت  
اندیشی زمانی بیشتر برای  
آقایان مطرح شد که شعار  
فدائیان خلق یعنی شعار  
"ارتش ضد خلقی" تا بود باید  
گردد "بتدریج میرفت تا به  
شعار عمل توده های میلیونی  
تبدیل شود. و بالاخره در  
لحظاتی که پادگانها توسط  
توده های رزمنده و زحمتکشان  
ایران فتح می شد در پشت پرده به  
تقسیم غنائم انقلاب میان خود و  
لیبرالها مشغول بودند.

آیا اینان بخاطر می آورند که  
درست در روزهایی که فرزندان  
دلاور خلق در شکنجه گاههای  
ساواک گوشت و پوستشان  
می سوخت سپس به جوخه های  
اعدام سپرده می شدند و یا در  
درگیری با مزدوران رژیم شاه  
به شهادت رسیده و خونشان بر  
سنگرش خیا با آنها میدرخشید،  
کسانی از آنان نظیر عسگر  
اولادی، و حجت الاسلام  
مهدی کروی در تلویزیون به  
سپاس گوئی و ثنا گوئی نسبت به  
شاه پرداخته بودند؟ (سال  
۵۵) آیا بخاطر می آورند که  
درست در این زمان بهشتی که  
اکنون در مقام دبیر کلی حزب  
قرار دارد، در آلمان به تجارت  
فرش و آقای آیت در حزب  
زحمتکشان مظرفی مشغول  
خدمت به "آریامهر" بودند.  
چنین رهبرانی که سیاست

"حزب" را تعیین می کنند  
مسلم" نمی توانند جز بدورغ  
و بر اه انداختن باند های فالانز  
توسل جویند.  
آنها همواره ما را متهم به  
جنگ افروزی در کردستان و گنبد  
می کنند اما کوشش آنان این  
است که ماهیت جنگ را وارونه  
جلوه دهند و در این مورد  
بیشتر مانه واقعات را تحریف  
می کنند. آنها بدورغ خود را  
پشتیبان خلق کرد معرفی  
می کنند و از ما بعنوان "گروه های  
وابسته به آمریکا" نام می برند  
اما مردم از خود می پرسند که  
ارتش و سپاه پاسداران آیا با  
کسانی جز توده های محروم  
زحمتکش کردستان می جنگند؟  
این ارگانها در مبارزه زحمتکشان  
ترکمن صحرا که پس از سالها  
تحمل ستم و استنطردن را به باز  
پس

گرفتن و مصادر زمینهای  
فتو الهادر کنار کدامیک و  
علیه چه نیرویی می جنگیدند؟  
و "فدائیان خلق" در این میان  
چه نقشی داشتند؟ اما منافع  
طبقاتی آنان اجازه نمی دهد که  
باین پرسش ها، پاسخ صحیح  
دهند.

اما، آری، فدائیان خلق  
از گفتن اینکه دوش بسدوش  
زحمتکشان در کردستان و ترکمن  
صحرا به مقابل با ارتش و سپاه  
پاسداران پرداخته اند، ترسی  
بخود راه نداده و روی آن بمتابه  
وظیفه افتخار آفرین خود تبلیغ  
می کنند. دولت جمهوری  
اسلامی بنا به اعتراف اسنادار  
خود در آذربایجان غربی،  
زمین داران و سران عشایر را با  
توجیه دفاع از خود در مقابل  
زحمتکشان کرد مسلح می کند.  
بجب ها و راکت های ارتش ضد  
خلق بر سر خلق زحمتکش کرد  
فرومی ریزد، حمایت و تسلیح  
قیاده موقت را وظیفه خود  
میداند، اما روزنامه جمهوری  
اسلامی تمام آنها را وارونه  
جلوه می دهد. حزب جمهوری  
اسلامی چنین وانمود می کند که  
ارتش و سپاه پاسداران در

کردستان با مزدورانی نظیر  
پالیزبانهای جنگند اما  
نمی گوید و هیچگاه نخواهد گفت  
که چرا حتی یک نفر از این  
مزدوران جزو مبارزینی نیستند  
که دسته دسته در کردستان به  
جوخه اعدام سپرده شده و تیر  
باران می شوند.

نکته جالبتری که روزنامه  
جمهوری اسلامی در شماره شنبه  
۴ مرداد نوشته چنین است "این  
سازمان در تاریخ ۱۰-۱۲  
سالهاش، با همه ادعاهای  
ضدامپریالیستی، هنوز یک  
گلوله علیه آمریکا در نگردا ست  
بلکه برعکس وجود همین ها و  
ترقه اندازی های بچه گانه شان  
چه در زمان شاه و چه در حکومت  
جمهوری اسلامی، بهانه و مقدمه  
و توجیه کرمیلیتاریسم هم از  
جهت سیاسی و هم از جهت  
اجتماعی و اقتصادی (؟) و در  
مجموع بنفع کمپانیهای نفتی  
تسلیماتی بوده است. آیا  
همین دولت موقت بقول اینها  
آمریکائی نبود که می خواست  
اسلحه های

زائد و مدرن را بفروشد و جنگ  
افروزیه، دولت را به نگهداری  
اسلحه ها و خرید

بیش از آن نیز وادار کرد؟ پس  
عملکرد اینان، بویژه آن گرایش  
دریست، بسود آمریکا بوده  
و هست. "ظاهرا" گفته های  
جالبی ست و در نگاه اول منطقی  
بنظر میرسد، اما در اینجاست  
تئورسین های حزب تنها یک  
خیط کوچک مرتکب شده اند!

و آن اینکه فراموش کرده اند که  
این درست همان ادعاهای  
شاه برای توجیه خریدهای  
سرمسام و اسلحه بود. در آن  
سالها شاه منفور بهمین دلیل و  
به بهانه سرکوب

"خرابکاران" و یا بنا به قول  
روزنامه جمهوری اسلامی "ترقه  
اندازان" و نیز سرکوب  
انقلابیون ظفار هر سال مبلغ  
گزافی از ثروت های ملی را صرف  
خرید اسلحه می کرد و سپس علت  
آنرا وجود خرابکاران و توطئه گر  
ان اعلام می کرد و اکنون سران  
حزب همان دلایل شاه را نشخوار  
می کنند و چنین لاف می زنند که  
اگر انقلابیون دست به مبارزه  
مسلحانه نمی زدند، شاه مجبور  
به مدرنیسم کردن ارتش نمیشد.

بله، بزعم سران حزب اگر  
استثمار شوندگان علیه  
بقیه در صفحه ۴

پر توان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات  
ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



# شیوه‌های ضد دمکراتیک هیئت حاکمه در آموزش و پرورش

## وزارت آموزش و پرورش از دانش آموزان و اولیاء آنها تعهد میگیرد که دانش آموزان فعالیت سیاسی نکنند.

با شروع ثبت نام مدارس، مقدماتی که در این زمینه تدارک دیده شده است و حجت رژیم جمهوری اسلامی از مبارزات معلمین و دانش آموزان آگاه آشکارانشان میدهد. اخراج معلمین مبارز با عناوین مختلف و گرفتن تعهد نامه از دانش آموزان در مدارس کشور و بمیان کشیدن پای اولیا، در این رابطه خود نوعی تفتیش عقاید است. آنهایی خواهند بدین وسیله دانش آموزان مبارز و مترقی را به خیانت خودشان زیر فشار قرار دهند. هر چند که فرم تعهد نامهها در مدارس مختلف فرق می کند ولی آنچه که در همه مشترک است، اعمال و روشهای ضد دمکراتیک با شکل گوناگون از قبیل تحدید آزادیها، تحمیل افکار و عقاید، ایجاد محیط خفقان، ممانعت از هرگونه برخورد سازنده افکار و اندیشهها و محرومیت از تحصیل یا آزار و تهدید دانش آموزان مبارز که قبلاً شناسایی شده اند میباشد.

ادارات آموزش و پرورش افشای آن کتابهای کذابی را بعنوان محور کار خود قرار دادند و محتوای آنها را کاملاً افشاکردند و محتوا را اساساً آنها را بکناری گذاشتند و متون درسی تازه با بکتار شخصی انتخاب و تدریس نمودند و آموزش و پرورش در مقابل این عمل منطقی و انقلابی آنان ناگزیر تسلیم شد. شاهد بودیم که چگونه مسئولین مدارس را که معتقد به آزادیهای دمکراتیک و بر خورد عقاید و افکار انقلابی در مدرسه بودند و به جان فشانی های دانش آموزان ارج می نهادند و پس از قیام توسط همین دانش آموزان مبارز و معلمان آگاه انتخاب شده بودند کنار گذاشت و به خواست معلمین و دانش آموزان دهن کجی نمود و افراد معلوم الحال را در اغلب موارد جایگزین کرد.

شاهد بودیم که چگونه وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی از مبارزات و آگاهی دانش آموزان وحشت زده شد و طی بخشنامه ای در (۵۸/۱۰/۶) اعلام کرد. بخاطر اینکه "وحدت بین جوانان" از بین برده نشود به مستخدمین مدارس تاکید می کنم "مراقبت کنند که راهروها و دیوارها تمیز باشد و آگاهی و نشریه و پوستر نصب نشود" که میلاد آنچهها بخوانند و آگاه شوند و وحدتشان از بین برود! و در بند دیگر این بخشنامه دستور دادند که "کارهای غیر رسمی و کلیه فعالیت های فوق برنامه باید زیر نظر مربی پرورشی آموزشگاه انجام گیرد." تا شاید بوسیله مربی پرورشی! بتوانند مانعی در برابر تبلیغ و ترویج افکار انقلابی ایجاد کنند و جلوتداوم مبارزات معلمین و دانش آموزان را سد کنند.

بی مناسبت نیست که با مربی پرورشی و نقش او آشنا شویم. همین قدر بدانید که وقتی معلمین و دانش آموزان اسم "مربی پرورشی" را می شنوند

بلافاصله ساواک با تفتیش عقاید و خفقان در ذهنشان زنده میگردد. دلیل آن بسیار روشن است از یکطرف در هر دو مورد از مفاهیم تربیتی سوء استفاده شده است و از طرف دیگر مربی پرورشی (اغلب) عملاً "کار یک ساواکی را" انجام میدهد، بین توده های دانش آموزان تفکیک میگرد، بخاطر اختلاف عقیده آنها را به جان هم می انداخت، از نصب اعلامیه و پوستر و توزیع آن جلوگیری می نمود آنها را سانسور میکرد، دانش آموزان - انجمن اسلامی را به پاره کردن اعلامیه ها و برهم زدن بساط کتاب و دفتر و غیره سائر گروهها تحریک میکرد و بدتر از همه این دانش آموزان را به کثیف ترین کارها یعنی جاسوسی و تهیه لیست از معلمین و دانش آموزان مبارز و امید داشت در مورد تفتیش عقاید با استفاده از احساسات مذهبی، آنان را با خود همراه می نمود، و گزارش گفته ها و شنیده ها را به مسئولین خود می داد، در مقابل ایجاد شورای واقعی مدرسه به هر حيله و نیرنگ و اعمال ضد انسانی از دروغ و تهمت و افترا متوسل می شد، قفسه های کتابخانه مدرسه را از کتابهای خوب خالی می نمود و از فروش نشریه و کتاب ممانعت بعمل می آورد و بالاخره تلاش میکرد با پرونده سازی برای معلمان و دانش آموزان مبارز یک محیط ناسالم و خفقان آور ایجاد شود.

حال این سؤال مطرح میشود که آیا می توان با این حرکات و رفتار، معلمین و دانش آموزان انقلابی و مصمم ما را از حرکت بازداشت؟ واقعیت ها جواب میدهند. نه! مگر ما در یکسال گذشته شاهد اعدام دهها معلم و دانش آموز مبارز و انقلابی نبودیم؟ مگر صد هاتن از معلمین و دانش آموزان مسئول و آگاه ما اخراج و زندانی نشدند؟ علیرغم تمام تلاشها و کوششها و تمام تضییقاتی که وزارت آموزش و پرورش در مقابل

معلمین متعهد و دانش آموزان آگاه ایجاد نمود آنها هرگز سنگر مبارزه را ترک نکردند و نخواهند کرد و تمام سدها و موانع را از سر راه خود برداشته اند و بزرگ می دارند و تا پیروزی نهایی به نبرد خویش ادامه میدهند. هر روز با افشاگریهای زنده ماهیت رژیم و سیاستهای آنرا بر ملا می کنند و توهمات عناصر آگاه را بر طرف می نیند، شاهد زنده در این زمینه دانش آموزانی بودند که در آغاز سال تحصیلی گذشته (همانند تعداد زیادی از هموطنان عزیزمان) بر اثر نا آگاهی و یا تلقینات غلط مخالفت با دولت موقت و عناصری مانند: بازرگان، امیر انتظام - رژیم مراغه ای - مهدیون، مدنی، قطب زاده، چمران، یزدی، بهشتی و غیره را مخالفت با شریعت و مخالفت با انقلاب تلقی می کردند و شوق پیدا "برافروخته می شدند و در پایان سال خود بی به ماهیت آنها بردند و در صفوف فشرده مبارزین قرار گرفتند.

رژیم با مشاهده این رویگردانی از حاکمیت که در تمام عرصه های جامعه وجود دارد - بخود می لرزد. او راهی جز این نمی شناسد که از روشهای اعمال زور مانند اخذ تعهد و پرونده سازی - تهدید و بالاخره ایجاد جو خفقان بهره جوید و این آخرین حربه اوست، بدنبال آن مجبور است یا مدارس را نیز مانند دانشگاهها تعطیل کند و یا مثل رژیم آریامهری از نیروهای مسلح خود برای سرکوب استفاده نماید. با این همراه با جایی نخواهد برد پیروزی از آن توده هاست. فقط آدمهای احمق هستند که از تاریخ درس نمیگیرند. گوشه ایان را باز کنید و بدانید که دیگر نمیتوان جلورش آگاهیه های مردم را سد کرد و این خوابهای آشفته بیش از پیش باعث بی اعتباری و افشای ماهیت شما خواهد بود.



### دهها فروشنده کار...

بقیه از صفحه ۱۲

اما مبارزینی که وظیفه انقلابی خود را در بردن آگاهی بمیان کارگران و زحمتکشان میدانند بدون هیچگونه ترس و وا همای از قوانین ضد انقلابی رژیم و چماق داران آن، به هر طریق به فعالیت انقلابی خود قاطعانه و مصممانه ادامه میدهند. در هفته های اخیر بنا بر گزارشات و اخبار روزنامه های دولتی، دهها نفر به جرم پخش و فروش نشریات انقلابی به ویژه "کار" به حبس های ۳ - ۶ ماهه حتی یکسال و بیشتر محکوم شده اند. تنها دادگاه انقلاب اسلامی شیراز در هفته های گذشته ۱۹ انقلابی را به زندان محکوم کرده است. دادگاه انقلاب اسلامی اهواز نیز چندین نفر را به جرم پخش نشریات انقلابی به حبس محکوم کرد. در اخبار دادگاهها همواره تعدادی از محکومین انقلابیونی هستند که جرمانه آگاه کردن توده ها و افشای عملکردهای ضد انقلابی حاکمیت است.

بخشی از محکومین به ضربات سلاق نیز محکوم می شوند. از آن جمله در هفته گذشته دادگاه انقلاب اسلامی رشت دورفیک را که "کار" ارگان سازمان را به دست زحمتکشان میرسانده اند یکی را به سه ماه زندان و ۵۰ ضربه سلاق و دیگری را که شاگرد بنا بود است پس از ۲۳ روز بازداشت به دو سال حبس تعلیقی محکوم و با تعهد آزاد کرد.

همچنین در حمله به بساط کتابفروشیها، رفیقی را دستگیر و با خود به کمیته می برند پس از چند ساعت با سروصورتی خون آلود و سری تراشیده بر میگردد و بمحض برخورد با رفقاییش می گوید: "عزیزه سلاق خوردن و چند ساعت کتک خوردن، انسان را برای رسیدن به آرزویش استوارتر می کند. بالاخره پیروزی از آن ماست و با اراده های آهنین و مصمم تر از پیش باید ادامه داد" فردا بساط را پهن می کنیم و کتاب و "کار" می فروشیم.

آری آنان که به آرمان زحمتکشان ایمان و اعتقاد دارند هرگز از سلاق و زندان و چماق باکشان نیست، پیگیرانه به مبارزه خود ادامه میدهند و تمام سختی ها را تحمل خواهند کرد.

# سرکوبگران خلق کُرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

## جوانمرد قصاب محله‌ای محروم از رفاه

● بچه‌های زحمتکش محله‌ی جوانمرد قصاب  
مدرسه درست و حسابی ندارند و دوره راهنمایی  
و دبیرستان هم اصلا در محل نیست

هنوز در گوشه و کنار میهنمان شاهد رنج و محرومیت توده‌های زحمتکش هستیم، و هر روز که میگذرد توده‌های محروم مشاهده می‌کنند که نه تنها این حکومت که به آنها "نویسد" زندگی بهتر میدهد برای آنها کاری انجام نداده بلکه هر کجا هم که آنها خود به‌گرفتند حقشان از سرمایه‌داران و سرسپردگان امپریالیسم اقدام کرده‌اند، بنا بر ماهیتش به دفاع از سرمایه‌داران برخاسته و توده‌های محروم را به گلوله بسته‌است. آنها بخوبی می‌دانند که درمی‌یابند که برخلاف حرفهای پوچ این دولت‌مندان نه تنها زندگیشان بهتر نشده بلکه گرانی و بیکاری و بی‌خانمانی... روز بروز بیشتر بر کرده‌شان فشار می‌آورد و زندگی را برایشان دشوارتر می‌سازد، هنوز ظلم و ستم بیداد می‌کند و فقر و محرومیت در جللی آبادها

و گودها و زورآبادها... پاسبان است. آنچه که در زیر می‌خوانیم گزارش کوتاهی از محله‌ای بنام "جوانمرد قصاب" است. جوانمرد قصاب محله‌ای است در کنار خیابان یادآوران که تا خیابان فاصله نسبتاً زیادی دارد. در اطراف محله زمینهایی است که در آن کدو و گل آفتابگردان و جaro... کاشته شده که بگفته‌های افراد قدیمی و مسن محل روی آن کار می‌کنند. خیابانها و کوچه‌ها همه خاکی و چند مغازه سبزی فروشی و نانوايي و بقالی کوچک و محقر در آنها قرار دارد. یک نهر آب کثیف و متعفن و پراز لجن، از کنار خانه‌ها رد میشود. خانه‌ها اغلب یک طبقه و محقر هستند. فقر و محرومیت را می‌توان بخوبی از کوچه‌ها و خانه‌های محصل مشاهده کرد. زن مستاجری که در این محله فقر و نکبت زندگی

میکنند میگفت: "۱۲ ساله که توی این پیماناق کوچیک که و نظرف حیا طه زندگی می‌کنیم، هنوز نتونستیم به چهار دیواری برای خودمون بخریم و معلوم نیست تا کی باید مستاجری و دربدری بکشیم. ماهی سیصد تومن اجاره خونه میدیم. تمام این اتاقها که توی این حیا طه هست همه اجارثیه و توهر کدوم پنج شش نفر زندگی می‌کنن بچه‌ها مون مدرسه درست و حسابی ندارند، فقط یه دبستان هست که صبحها دخترها و بعد از ظهرها پسرها میرن و مدرسه راهنمایی و دبیرستان اصلا نیست و بچه‌ها همون مجبورن توسرمای زمستون توی این بیابون تا اونطرف خیابون یادآوران تا محله ۱۳ بان برن برای اینکه بتونن به مدرسه راهنمایی و دبیرستان برسن، راستش جرئت نمی‌کنیم دخترها مونو بفرستیم مدرسه و بیشتر تا کلاس پنجم می‌خونن". یکی از جوانهای محل گفت: "اینجا دواود کتر پیدانمی شه دیشب زخم حالش بد شد و من مجبور شدم شبونه تا در مانگا شهرری برم تا زده‌ها زود ادرمون که بگذریم خونه‌ها هیچکدوم لوله‌کشی نیست و فقط او مدن چند تا شیر تو کوچه‌ها گذاشتن که فرقی به حال ما نکرده چون قبلا هم فشاری داشتیم، بعضی از خانه‌ها از کوچه به خونه‌ها یواشکی لوله کشی کردن ولی بیشتر خونه‌ها مجبوراً برای شستن رخس و ظرف توسرمای و گرما به کوچه بیان، معلوم نیست این دولت که هی میگه "حامی مستضعفان" هست چیکار داره می‌کنه مگه ما زحمتکش نیستیم اینجا تقریباً همه کارگر هستن پس چرا برای ما کاری نمی‌کند".

این تنها گوشه‌ای از درد دلها و حرف‌های به حق توده‌های رنج دیده و زحمتکش محله جوانمرد قصاب است، آنها در تجربه خود بخوبی در می‌یابند که دولت جمهوری اسلامی برخلاف حرفها و تبلیغات رنگارنگ خود نه تنها در عمل هیچ قدمی در جهت بهبود زندگی آنها برنداشته‌است بلکه هر جا که فریاد اعتراض حق طلبانهای نیز بلند شده به بهانه ضد انقلابی و... آنها را توسط پاسدارانش به گلوله بسته و یا روانه زندانها کرده‌است.

از طرف رفقای که در سازمان‌های انقلابی توده‌ای و بخصوص شوراها فعالیت کرده و میکنند بدفعات این سوال مطرح میشده است که در درون این تشکل‌ها با سایر نیروهای مترقی و انقلابی چه روابطی باید داشته باشیم و چگونه باید با آنها برخورد کنیم.

پاسخ ما برفقا همواره این بوده‌است: اتحاد عمل با کلیه نیروهای مترقی و انقلابی و بقول یکی از بزرگان ما "اتحاد عمل با کلیه نیروهای مترقی و انقلابی علیه نیروهای اصلاح طلب سا زشکار و ارتجاعی".

هدف از ایجاد این صف بندی در درون این تشکل‌ها منزوی کردن نیروهای سا زشکار، اصلاح طلب و ارتجاعی و پیشبرد سیاستی انقلابی و طبقاتی است. بدین ترتیب که با ایجاد صف نیروهای مترقی و انقلابی و با مبارزه پیگیر و مداوم و افشاگری علیه آنها، توده‌ها را از زیر نفوذ آنها خارج کنیم و هر چه بیشتر با یگانه توده‌ای را از آنها بگیریم

### سازمان‌های دمکراتیک توده‌ای (۴) اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

زیرا آنها با اتکا بر این پایگاه توده‌ای است که ما نفع‌گسترش مبارزه طبقاتی دهرسه شکل آن (اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک) میشوند. تا مین منافع سرمایه داران با تبلیغ سا زش طبقاتی، ایجاد و تقویت توهم نسبت به حاکمیت با توجیه عدم تضعیف حاکمیت ضد امپریالیست! و بالاخره ترویج اصول اعتقادی که تحرک و روحیه مبارزه جوئی کارگران را فرو مینشانند از جمله هدفهای این نیروهاست.

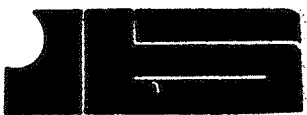
علاوه بر این مبارزه همواره برفقا توصیه میشده است دو دید و دو شیوه عمل انحرافی را در نظر داشته باشند و با مرز بندی با آنها مبارزه انقلابی خود را به پیش ببرند:

اول آن دیدی که هر نوع حد و مرز سیاسی - ایدئولوژیک را بکنار می‌نهد و کلیه ضوابط اصول حاکم بر سازماندهی هسته‌های سرخ و حوزه‌های سازمانهای مارکسیست-لنینیست (و حدت سیاسی - ایدئولوژیک) را نفی میکند و با کلیه نیروهای مترقی و انقلابی (گرچه انحرافی) وحدت عمل را تا حدت تشکیل حوزه و هسته سرخ پیش میبرد. این انحراف شیچگونه تمایزی بین سازمان کمونیستی (سازمان انقلابیون حرفه‌ای) و سازمان انقلابی توده‌ای قائل نیست و اولی را تا حد دومی پائین می‌آورد و عملاً سازمان کمونیستی را در سازمان انقلابی توده‌ای حل میکند نتیجه عمل این دید دنیا لهروی از حرکت خود بخودی توده‌ها خواهد بود.

انحراف دوم دیدگاهی درست مقابل ولی است، بدین صورت که همان ضوابط اصولی و سفت و سخت سازمان سیاسی مارکسیست-لنینیست (و حدت سیاسی - ایدئولوژیک) را بر هر گونه اتحاد عمل و فعالیت مشترک درون تشکل توده‌ای حاکم میدانند و در نتیجه هر گونه فعالیت مشترک با نیروهای دیگر را وابسته به وحدت کامل و همه جانبه (در سیاست و در مسلک) میدانند و مسلماً چون فقط معتقدین و هواداران خط فکری خود را دارند و رای این خصوصیت میدانند عملات آنها می‌ماند و اتحاد عمل و فعالیت مشترک با سایر نیروهای انقلابی و مترقی را نفی میکنند و در حقیقت به فرقه‌گری کامل عیاری تبدیل میشوند.



با نگاه به نیروی توده‌ها برای صلح عادلانه در کردستان بکوشیم



# ماهی ۵۲۶ میلیون ریال فقط...

بقیه از صفحه ۱۲

نام: \_\_\_\_\_ شماره: \_\_\_\_\_  
 نام خانوادگی: \_\_\_\_\_ شماره: \_\_\_\_\_  
 تاریخ: \_\_\_\_\_ شماره: \_\_\_\_\_

وزارت کشور  
 ژاندارمری کشور  
 (تلفن: \_\_\_\_\_)

ص- ۱

۳- تهیه اعلام آمیزی برای پایان دوره باکسها  
 ۴- اعتبار سوه سلف نظمه در راه  
 ۱- هزینه های سری ماهانه

مبلغ ۲۰۶۸۰۰۰ ریال  
 ۲۰۰۰۰۰ ریال  
 ۱۰۰۰۰۰ ریال

جمع: ۷۸۱۰۰۰ ریال

پایه هجرت بر مبنای تقویم هجری و در هر سال یک مرتبه اعلام می‌گردد تا آنجا که در اعلامیه ها  
 ماه اول سال هجری در هر سال یک مرتبه اعلام می‌گردد تا آنجا که در اعلامیه ها  
 ماه دوم سال هجری در هر سال یک مرتبه اعلام می‌گردد تا آنجا که در اعلامیه ها

وزارت: \_\_\_\_\_  
 ۱- وزارت کشور جهت استحضار  
 ۲- وزارت دارایی و امور اقتصادی جهت استحضار  
 ۳- سازمان برنامه و بودجه جهت استحضار

اندا: \_\_\_\_\_  
 ۳۰۳۲

سندی را که ملاحظه می‌کنید، حاوی برخی از هزینه‌هاییست که جمهوری اسلامی فقط برای ماه اول عملیات "برآورد نموده و باید توجه داشت که این مبلغ تنها توسط ژاندارمری در مناطق کردنشین، صرف می‌گردد.

نیروهای انقلابی و آگاه باید با انتشار و توضیح هر چه وسیعتر این واقعیات، سیر رشد و آگاهی توده‌ها را تسریع نموده و ماهیت حاکمیت را برای توده‌های حمتکش میهنمان افشا نمایند.

ن

۵۳۳۲	ه
۹۳۳۸	۲۲۰۰ ریال
۱۲۵۴	رفقای سیاهکل
۱۰۲۳۵	۳۰۰۰ ریال
۵۱۱۱	رفقای شیراز
۳۰۴۱۹	۳۰۴۱۹ ریال
۶۴۴	ر
۲۰۲۰	ت
۱۰۵۱	الف
۱۳۱۵	ف
۵۲۱	ج
۵۳۴	ع
۱۲۱۲	م
۲۶۱۱	س
۵۱۷	ه
۳۱۱۲	م

بی‌کد  
 ۶۸۰۹  
 ۱۹۴۴  
 مانا ۱۰۰۰

پیشگام مبارکاه صفهان  
 ۱۴۰۰۰ ریال

رفقای انزلی  
 ۵۰۵۰ ریال

رفقای پاریس  
 ۲۲۲ - ۲۵۰۰

رفقای مسجد سلیمان  
 ۳۲۱ ریال

ب  
 ۳۹  
 ۲۲۲

### کمکهای مالی دریافت شده

رفقا، دوستان، هواداران  
 سازمان همیشه با اتکاء به کمکهای مالی شما توانسته در راه انجام وظایف انقلابی خود گام بردارد. کمکهای خود را از راههای مطمئنی که می‌شناسید بر ما برسانید و حتماً برای خود کدویک حرف انتخاب کنید.

الف	ب	ج	د	ه	ح
۲۶۵۴	۱۲۷۷	۲۳۲۲	۱۰۴۱۴	۱۶۱۱	۲۰۳۱۵
۳۰۱۲	۱۲۳۳	۲۹۹۹	۱۲۴۸۲	۵۰۱۱	۲۰۳۱۵
۱۲۱۱۰	۱۲۷۷	۲۹۹۹	۸۲۲۲	۱۰۰۷۷	۱۲۴۸۲
۲۱۰۰	۱۲۷۷	۲۹۹۹	۲۰۱۳	۵۲۰۱	۸۲۲۲
الف‌سس	۲۹۹۹	۲۹۹۹	۲۰۵۵	۵۰۶۲	۲۰۱۳
۲۹۹۹	۱۳۳۳	۲۹۹۹	۵۱۰۰	۱۰۵۰	۲۰۵۵
۱۳۳۳	۱۳۳۳	۲۹۹۹	۱۱۰۴	۱۳۶۵۰	۲۰۵۵
۱۲۷۷	۱۲۷۷	۲۹۹۹	۴۱۰۰	۲۰۴۲۰	۱۱۰۴
۲۳۲۲	۲۳۲۲	۲۹۹۹	۵۲۴۵	۲۰۸۱۴	۴۱۰۰
۸۰۱۰	۲۳۲۲	۲۹۹۹	۱۹۴۱	۴۸۱۳	۵۲۴۵
۳۰۳۳	۲۳۲۲	۲۹۹۹	۸۱۲	۱۲۷۷	۱۹۴۱
۵۰۱۳	۲۳۲۲	۲۹۹۹	۱۰۱۱۸	۶۰۰	۸۱۲
۷۹۹۰	۱۴۶۵	۲۹۹۹	۲۷۵۰	۵۳۴۹	۱۰۱۱۸
۱۴۶۵	۵۱۴۰	۲۹۹۹	۲۰۷۵۰	۶۶۱	۲۷۵۰
۵۱۴۰	۵۰۵۵۶	۲۹۹۹	۱۰۴۳۲	۵۰۰۰	۲۰۷۵۰
۵۰۵۵۶	۴۳۴۲	۲۹۹۹	۱۳۶۶	۶۰۰	۱۰۴۳۲
۴۳۴۲	۵۲۳۵	۲۹۹۹	۵۲۱۹	۲۸۳۵	۱۳۶۶
۵۲۳۵	۲۵۰۰	۲۹۹۹	۵۹۰۷	۵۰۲۶	۲۸۳۵
ح‌الف	۲۵۰۰	۲۹۹۹	۴۲۲۲	۲۹۶۵	۵۲۱۹
۲۵۰۰	۲۸۶۵	۲۹۹۹	۲۰۸۱۸	۵۲۱۷	۴۲۲۲
۲۸۶۵	۲۰۹۹	۲۹۹۹	۲۰۸۱۸	۱۲۰۰	۲۰۸۱۸
۲۰۹۹	۲۰۹۹	۲۹۹۹	۲۰۸۱۸	۲۰۰۰	۲۰۸۱۸

- ۱- وزارت کشور جهت استحضار
  - ۲- وزارت دارایی و امور اقتصادی جهت استحضار
  - ۳- سازمان برنامه و بودجه جهت استحضار
- اقدام کنند - سرگرد رحمانی

## اعدام نیروهای انقلابی... بقیه از صفحه ۱۲

انقلابی خلق را در کنار مزدوران سرسپرد و جوخه اعدام می‌سپارد. هیئت حاکمه چنین تصور می‌کند که بدین طریق می‌تواند ماهیت ضد انقلابی خود را پوشیده دارد.

هم اکنون علاوه بر ده‌ها شهیدی که در شهرهای تبریز، اهواز، دزفول، تهران، کرمان، کردستان و گنبد بجرم دفاع از آرمان طبقه کارگر و توده‌های تحت ستم به جوخه‌های اعدام سپرده شده‌اند، تعداد کثیری از فرزندان انقلابی خلق نیز با خطر اعدام مواجه‌اند.

به اعتقاد ما اعدام نیروهای انقلابی و توسل به شیوه‌های فریبکارانه از سوی هیئت حاکمه نشان‌دهنده شکستی جمهوری اسلامی است و همانگونه که هیچ حکومتی با سرکوب و کشتار نیروهای انقلابی قادر به خاموش نمودن آتش مبارزه طبقاتی نیست، جمهوری اسلامی نیز نمی‌تواند با افزایش ترور اعدام نیروهای انقلابی راه حاکمته‌تلاش کند.

مبارزه را بر نیروها سد کند. اعدا رفیق "هالی هالی زاده" یکبار دیگر ما هیتت ضد مردمی هیئت حاکمه را که فرصت طلبانی نظیر "کمیته مرکزی" آن را خلقی و انقلابی قلمداد کرده و به منافع توده‌های حمتکش کرد، و ترکمن و همه توده‌های میهن ما خیانت کرده‌اند، نشان می‌دهد. توده‌های مردم نه تنها انتقام فرزندان قهرمان خود را از سرکوبگران و دشمنان توده‌های حمتکش خواهند گرفت، بلکه پاسخ دهندگان شکنی به فرصت طلبان نیز خواهند داد.

ما ضمن محکوم کردن اعدام رفیق "هالی هالی زاده" و دیگر شهدای خلق که بدست خیانتکاران بخون غلتیدند، از همه نیروهای انقلابی و مردم مبارز و آگاه میهنمان می‌خواهیم که در جهت افشای هر چه وسیعتر سیاستهای ضد انقلابی هیئت حاکمه تلاش کنند.

## چرا حاکم شرع دادگاههای انقلاب... بقیه از صفحه ۱۲

دیگر سران ارتش را بنوان اعمال امپریالیسم افشا کرده‌است و اکنون که ماهیت آنها در پیشگاه توده‌ها روشن شده‌است و توده‌ها بی‌برده اند که آنچه ما می‌گفیم درست و منطبق برواقعیات بوده است، از حاکمیت دور می‌شوند و به سازبندهای انقلابی روی می‌آورند، این است که حاکم شرع و دیگر صاحب منصبان جمهوری اسلامی به وحشت افتاده و به دروغ پردازی متوسل می‌شوند. مردم بخوبی بیاد دارند که ما چگونه وابستگی و سرسپردگی افرادی نظیر مدنی را به امپریالیسم افشا کردیم، اما هیئت حاکمه و همین روزنامه جمهوری اسلامی مدام از مدنی روز چندان دور نیست.

بعلت رشد روز افزون جنبش کمونیستی و اعتدال روز افزون توده‌ها به سازمانها و کمونیستی ذکر کردند.

حاکم شرع که می‌خواهد ماهیت ارتش ضد خلقی را پوشیده دارد، و واقعیات را از مردم پنهان نماید به دروغ پردازی متوسل می‌شود.

جناب حاکم شرع نیز که همانند کودتاگران از اعتماد توده‌ها به سازبندهای انقلابی وحشت کرده است دست به تحریف واقعیات می‌زند. او می‌بیند که سازمان ما پس از قیام مرتبا "ماهیت ضد خلقی ارتش را برای مردم توضیح داده‌است، محققان با قری‌ها، مهدیون‌ها، مدنی‌ها و

بقیه از صفحه ۱۲

# مبارزه ضد امپریالیستی جدا از مبارزه برای دموکراسی نیست

# ماهی ۵۷۶ میلیون ریال فقط هزینه عملیات پاکسازی ژاندارمری در کردستان!

جمهوری اسلامی که بزعم گروهی از فرصت طلبان، پرچمدار مبارزه ضد امپریالیستی خلق علیه آمریکا است، از آغاز حکومت خویش علاوه بر بندوبست ها و نقشی که در سرازیر کردن سرمایه ها به جیب امپریالیستها داشته، بطور مستقیم (ولی بی آنکه سرو صدای قضیه را در بیاورد)، با امپریالیستها وارد معاملات تسلیحاتی شده، تا بنحویه چه موثرتری خلق های مبارز و حقوق طلب را سرکوب نماید.

گوشمای از مبالغ هنگفتی که تاکنون به جیب امپریالیستها سرازیر گشته، بودجه ایست که ماهیانه فقط توسط ژاندارمری صرف خرید اسلحه و تهیه امکانات برای سرکوب و کشتار خلق کرد گردیده و این روزها در مقیاس وسیعتری این مراوده جریان دارد.

امروز دیگر با افشای این واقعیات (علیرغم عوامفریبی های فرصت طلبان) توده های آگاه و انقلابی میهنمان، ماهیت واقعی حاکمیت را بازمی شناسند و بنا به آنچه که تاریخ حکم کرده است، قضاوت و عمل خواهند کرد.

از: ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران (کنترل و نظارت)  
به: جناب آقای نخست وزیر  
موضوع: طلب ماهیانه به پاکستان مناطق ارومیه و کردستان  
ژاندارمری کردستان  
(تلفن: ...)

شماره: ...  
تاریخ: ۱۳۵۸/۷/۱۸  
پیوست: ...

بسم الله الرحمن الرحیم  
استدعا میشود مقرر فرمایید از توجیهات و اسناد در مورد تصویب و ابلاغ اعتبار مربوط به این مناطق ارومیه - کردستان و کردستان مورد نیاز ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران معطوف گردد این سازمان را آگاه سازید.

فرمانده ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران  
فرسوی

فرمانده  
۱- مقام وزارت کشور جهت اعتبار ژاندارمری  
۲- مقام وزارت دفاع جهت اعتبار ژاندارمری  
۳- مقام سازمان برنامه و بودجه جهت اعتبار ژاندارمری

**لحن بسند**

استدعا میشود مقرر فرمایید از توجیهات و اسناد در مورد تصویب و ابلاغ اعتبار مربوط به این مناطق ارومیه - کردستان و کردستان مورد نیاز ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران معطوف گردد این سازمان را آگاه سازید.

سرتیپ دشتور  
سرتیپ فراست  
از سوی

این ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران (کنترل و نظارت) به: جناب آقای نخست وزیر  
موضوع: طلب ماهیانه به پاکستان مناطق ارومیه و کردستان  
ژاندارمری کردستان  
(تلفن: ...)

در نواحی پاکستان مناطق مذکور تشکیل ۳۰ گردان مسلح معطوف گردیده است. هزینه عملیاتی و تأمینات مذکور به شرح زیر است: ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال در ماه اول میباید اعتبار جواز شده باشد. هزینه عملیاتی مناطق از طریق وزارت دفاع و امور اقتصاد و برنامه ریزی ۱۵۰۰۰۰۰۰ ریال بطرحی الحساب میباید. کلیه مخارج مذکور در این زمینه ها میباید راجع نماید.

با عنایت به مراتب مذکور استعفا بخاطر ضرورت فریاد اواخر لازم در جهت تأمین اعتبار مورد نیاز بحرکت حواله اعتبار هر سه ماهه ساله میباید وصول ابلاغ نماید تا اینکه تأمین در اجرائی مأموریتها متوجه به ژاندارمری جمهوری اسلامی رخ ندهد.

۱- لونی الماده خاصیت المیزان و درجه درازان ماهیانه	۱۶۵۳۶۰۰۰	ریال
۲- حقوق جوانمردان غیر رسمی به تعداد ۲۴۰ نفر بقرارداد هر	۱۱۵۵۰۰۰۰۰	ریال
۳- جیره انصراف و جیره درجه درازان ماهیانه	۲۷۸۵۰۰۰۰	ریال
۴- جیره جوانمردان غیر رسمی و غیر بومی به تعداد ۲۸۱۲ نفر بقرارداد	۳۷۸۲۸۰۰۰	ریال
۵- اعتبار لایحه و حقوق در وقت برای هر نفر در روز	۲۵۰۲۸۵۰۰۰	ریال
۶- اعتبار مربوط به تهیه باطری برای سیستم ۳۰ گردان در روز	۲۸۱۰۰۰۰۰	ریال

بقیه در صفحه ۱۱

## اعدام نیروهای انقلابی نشانه ورشکستگی جمهوری اسلامی است

هنوز چند روزی از اعدام رفیق عبداللہ قزل یکی از فرزندان مبارز خلق ترکمن نگذشته است، که رژیم جمهوری اسلامی یکی دیگر از فرزندان قهرمان خلق ترکمن "هالی هالی زاده" را بجاوخه اعدام سپرد.

هر روز که میگذرد تعداد بیشتری از نیروهای انقلابی و هواداران سازمانهای انقلابی و مترقی توسط رژیم جمهوری اسلامی اعدام می شوند. هیئت حاکمه که از یکسوی ناتوانی خود را در پاسخگوئی به نیازهای توده ها در عمل نشان داده است و از سوی دیگر شاهد رشد و گسترش مبارزه طبقاتی است، بشیوه های پس ریاکارانه و فریبکارانه متوسل شده فرزندان

بقیه در صفحه ۱۱

## طی دو هفته اخیر دهها فروشنده کار و دیگر نشریات انقلابی به حبس و شلاق محکوم شدند

کمیته ها و سپاه پاسداران این وزها و وسیعاً دست به شکار انقلابیون میزنند که نشریات و تب سازمانهای انقلابی را بفروش می رسانند.

بدنبال تصویب قانون ضد انقلابی و ضد مکرراتیک توقیف و ممنوعیت فروش نشریات انقلابی از جمله "کار"، دادگاه های انقلاب وسیعاً دست به محاکمه و محکوم نمودن فروشندگان نشریات انقلابی زده اند.

بقیه در صفحه ۹

## چرا حاکم شرع دادگاههای انقلاب ارتش دروغ میگوید؟

روزنامه جمهوری اسلامی در تاریخ پنجشنبه ۱۶ مرداد ۵۹ با تیتیر درشت می نویسد: نقش سازمانهای مجاهدین و فدائیان در کودتای آمریکائی فاش شد و سپس از قول حجت الاسلام محمدی ری شهری حاکم شرع دادگاههای انقلاب ارتش می نویسد: محققان طرح کرده با همه گروههای سیاسی هماهنگی شده بود و رکنی می گوید قدرت رزمی مجاهدین و فدائیان ارزیابی شد و با آنها صحبت شده بود.

البته این اولین بار نیست که صاحب منصبان جمهوری اسلامی و روزنامه جمهوری اسلامی به دروغهای فک شکار و عوامفریبی علیه سازمان ما و نیروهای انقلابی دیگر متوسل می شوند. آنها که از توده های مردم و وحشت دارند و منافع خود را در خطر می بینند، با ییدهم به شیوه های نظیر شیوه های "آریامهری" متوسل شوند، دروغ بگویند، عوامفریبی کنند، تا شاید چند صاحبی دیگر بتوانند با فریب توده ها به حکومت خود ادامه دهند، اما غافلند از اینکه اگر این شیوه ها می توانست پایه های حاکمیت را مستحکم کند، و توده ها را برای همیشه در ناآگاهی و فریب نگهدارد، رژیم مزدور شاه که در عوامفریبی استادتر از این تازه کاران بود، سرنگون نشده بود.

آنچه که در صحبت های حاکم شرع آشکارا خود نمائشی می کرد و هر آنسنان اندک آگاهی را به دروغ پردازی او آگاه میساخت گفتار سرپا متناقض و بدون دلیل و مدرک او بود. او آنقدر بدون دلیل و غیر مستند صحبت کرد، که مصاحبه کننده نیز با حالت شک و تردید می پرسد: میزان اعتماد شما به کودتاگران تا چه حد است و ایشان با کمال بی شرمی پاسخ میدهند: بنظر من آنها دروغ نمی گویند! طبیعی است زمانیکه او این چنین به گفته های خائنین به خلق و توطئه گران مزدور اعتماد دارد، با ییدها انقلابیون راستین دشمنی ورزید و بدون دلیل و مدرک آنان را متهم سازد.

او فراموش می کند که کودتا چنان مزدور، در برنامه های که از تلویزیون پخش شد، صریحاً اعلام کردند که از مقاومت این دو سازمان در هراس بودند و ثانیاً "برنامه اجرای کودتا را گفتار سرپا متناقض و بدون

بقیه در صفحه ۱۱

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر